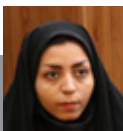


## اندیشه سیاسی بنیادگرا: امکان یا امتناع



محدثه جزانی  
دکتری علوم سیاسی ۹۴

بنیادگرایی یکی از مفاهیم لغزنده سیاسی است که در طول تاریخ به گروه‌ها، فرقه‌ها و نحله‌های متفاوتی اطلاق شده است. این مفهوم ترجمه واژه (fundamentalism) برگرفته شده از واژه‌های لاتین، به معنای پایه می‌باشد. بنیادگرایی شیوه اندیشیدنی است که در آن برخی اصول، حقایق مسلمی تلقی می‌شود که بدون توجه به محتوایشان، اعتباری تغییرناپذیر و فراگیر دارند. بنابراین، بنیادگرایی‌های اساسی و بزرگ، غیر از آن که حامیانشان می‌خواهند صداقت یا شور ناشی از قطعیتی عقیدتی خود را نشان دهند، مشترکات کمی دارند یا اصلاً وجه مشترکی ندارند و اگرچه بنیادگرایی به‌طور معمول با دین و با حقیقت محض متون مقدس مرتبط است، می‌توان آن را در کیش‌های سیاسی نیز مشاهده کرد.

بنیادگرایی با مفاهیم زیادی هم‌پیوند و در برخی موارد هم‌معنا در نظر گرفته می‌شود. یکی از مهم‌ترین آن‌ها، مفهوم رادیکالیسم است که اگرچه از نظر معنایی می‌تواند به بنیادگرایی نزدیک باشد، اما با آن تفاوت‌هایی نیز دارد. به‌طور کلی رادیکالیسم در سیاست را می‌توان به‌عنوان شیوه‌ای سیاسی تعریف کرد که غالباً بر مجموعه‌ای از اصول نظری اولیه برای حل مشکلات تأکید دارد. با صرف‌نظر از نوع اصول نظری که رادیکالیسم سیاسی به آن رجوع می‌کند، عمل و اقدام گروه‌های رادیکال همیشه با درجاتی از تندروی و افراط و خشونت همراه است. شاید بتوان نقطه مشترک رادیکالیسم و بنیادگرایی را همان اصول نظری‌ای در نظر گرفت که بنیادگرا بیش از رادیکال به آن تأکید دارد و تکیه می‌کند. از آن‌جا که در تاریخ ادیان مسیحی و اسلامی، همواره دین منبع رجوع بنیادگرایان بوده است، معمولاً هنگام سخن گفتن از بنیادگرایی، آن را با صفت دینی و با عنوان «بنیادگرایی دینی» به‌کار می‌برند. به نظر می‌رسد نخستین کاربردهای مفهوم بنیادگرایی، مربوط به مسیحیت باشد. اما بنیادگرایی مذهبی، اعم از مسیحی و یا اسلامی، تنها نوع بنیادگرایی نیست. سخن گفتن از بنیادگرایی فمینیستی و بنیادگرایی زیست‌محیطی نشان از آن دارد که صرف‌نظر از این‌که منبع مورد رجوع چه باشد، یک بنیادگرا به اصول مورد اعتقاد خود، اعتقادی راستین دارد و با پرهیز از جلوگیری التقاط‌های روادارانه و تساهل‌گرایانه می‌کوشد در راه تحقق بخش‌هایی از ایدئولوژی مورد قبول خود اقدامات عملی انجام دهد.

اما آیا می‌توان از اندیشه سیاسی بنیادگرا سخن گفت؟ با توجه به پراکندگی گروه‌های بنیادگرا و گستردگی شمول این مفهوم، چگونه می‌توان اندیشه سیاسی مشخصی را به بنیادگرایان نسبت داد؟ به نظر می‌رسد بنیادگرایان اگرچه به اصول نظری و اندیشه‌ای خاصی رجوع می‌کنند اما لزوماً این اندیشه واجد جنبه‌های سیاسی نیست. اما بُعد عمل‌گرایانه فعالیت این گروه‌ها - که معمولاً آن‌ها را در برابر گروه‌های سیاسی مستقر قرار می‌دهد - سبب می‌شود که یک گروه بنیادگرا، جنبه‌های سیاسی مشخصی داشته باشد. در این نوشتار کوتاه به بنیادگرایی اسلامی و بعد سیاسی اندیشه آنان پرداخته می‌شود.

بنیادگرایان اسلامی، دارای ویژگی‌هایی هستند که آن‌ها را از سایر گروه‌های بنیادگرا متمایز می‌کند. نخست این‌که بنیادگرایان اسلامی تجدد به سبک و سیاق غربی و غیراسلامی را بر نمی‌تابند. تلاش آن‌ها بیشتر معطوف به زدودن اندیشه‌ها و باورهای است که در نتیجه مدرنیسم غربی وارد جوامع اسلامی شده است. آموزه‌هایی هم‌چون سکولاریسم و اومانیسم در مرکز نقد گروه‌های بنیادگرای اسلامی قرار دارد. با توجه به این‌که برخی از دولت‌ها و نظام‌های سیاسی در جوامع مسلمان، با گرایش به سمت غرب تبلیغ این آموزه‌ها را در دستور کار خود قرار داده‌اند، گروه‌های بنیادگرا در این کشورها، آشکارا چهره‌ای سیاسی به خود گرفته و در برابر قدرت مستقر به فعالیت و اقدامات سیاسی، در بعضی موارد نظامی و خشونت‌بار متوسل شده‌اند. در حقیقت بنیادگرایان اسلامی مبارزه با غرب، جهان‌مدرن و دولت‌های کافر غربی و حکومت‌هایی را که با آن‌ها به‌نحوی همکاری







در ابتدا برای بررسی دقیق وقایع دی‌ماه ۱۳۹۶ باید مشخص کنیم از چه زاویه‌ای به موضوع می‌نگریم و چه سوژه ای را مورد کنکاش قرار می‌دهیم. درواقع این تحلیل قصد دارد از زاویه پدیدارشناسی و در قالب پارادایم هرمونیک به فهم، درک و تفهم ذهنی افرادی که به خیابان‌ها آمدند، برسد. یعنی دریابیم افراد معترض یا شورش‌گر و یا... وقایع پیرامون خود را چگونه تفسیر کردند که مجاب شدند باید در این بستر مکانی و زمانی دست به اغتشاش بزنند؟ و یا چه آگاهی از دنیای اطراف خود داشتند که حاضر به این کار شدند؟ در ابتدا مختصری در ارتباط با چیستی روش پدیدارشناسی هوسرل توضیح می‌دهم تا ذهن خواننده‌ای که سررشته‌ای در علم سیاست ندارد، آماده گردد.

### پدیدارشناسی چیست؟

این چندخط که در ادامه ذکر می‌شود، مربوط به فلسفه سیاسی است و برای علاقه‌مندانی که دوست دارند روش پدیدارشناسی و چگونگی استفاده ما از آن در وقایع دی‌ماه را درک کنند، ذکر می‌شود. هوسرل یکی از مبدهان فلسفه پدیدارشناسی اعتقاد داشت که میان آگاهی یا ضمیر درونی انسان با متعلقات و عینیات خارجی نسبتی متقابل وجود دارد؛ او اعتقاد داشت ذهن انسان هم‌چون دستگاه عظیمی است که مواد خام (داده‌های بیرونی یا نمودها) را به شکل اشیاء مجسم می‌سازد و بر مبنای آن به داده‌های خام بیرونی هویت می‌بخشد، بنابراین آگاهی یک شخص موقوف به برداشت ذهنی او از یک نمود بیرونی است. به عبارت ساده‌تر پدیدارشناسی می‌خواهد بر مبنای نگاه هم‌دلانه و تفهمی، با سوژه مورد بررسی هم‌سو شود و از زاویه او به آگاهی از جهان برون برسد و آن را کشف کند. برای این کار باید از روش بین‌الذنهانی استفاده کرد. یعنی برای کشف و پدیدار آگاهی – که سبب یک رخداد شده است- باید از تمامی زوایای آن رخداد و تفسیری را که فرد یا افراد از آن رخداد دارند کشف کنیم. حال در این تحلیل سیاسی قصد دارم تنها آگاهی و ذهنیت (چه درست و چه نادرست) افرادی را که در طول وقایع دی‌ماه به خیابان آمدند، بررسی کنم. درستی یا نادرستی اعتراضات مذکور، در چارچوب این تحلیل قرار نمی‌گیرد. نوآوری این یادداشت دقیقا از این جهت است که از زاویه بیرونی به رخدادهای دی‌ماه نمی‌نگرد که مثلاً این کنش‌ها تحت تأثیر تبلیغات رسانه‌های خارجی و دشمنان کشور بوده یا خیر؛ چراکه هر فردی اگر بداند تحت تأثیر و ابرازی در دست عوامل بیگانه می‌باشد، به خیابان نمی‌آید و اغتشاش نمی‌کند.

## ماموریت به حراست مجلس برای مشخص شدن منشاء انتشار فیلم جلسه غیرعلنی



ابوالفضل حسن‌بیگی، نماینده دامغان، از دستور هیئت رئیسه مجلس به حراست مجلس برای پیگیری منشاء انتشار فیلم جلسه غیرعلنی دیروز خبر داد و گفت قرار است مشخص شود که این فرد چه کسی بوده و چرا این فیلم را منتشر کرده است.

روز دوشنبه هفته گذشته کلیبی از نماینده سراوان در فضای مجازی پخش شد که نشان می‌داد نماینده با یکی از کارکنان گمرک درگیری لفظی پیدا می‌کند، به دنبال آن مجلس روز گذشته جلسه غیرعلنی برگزار کرد و در آن به بررسی این موضوع با حضور وزیر اقتصاد پرداخت و نماینده سراوان پشت تریبون توضیحاتی ارائه کرد.

یک روز بعد فیلمی از جلسه غیرعلنی مجلس منتشر شد که در آن نماینده سراوان در حال توضیح نسبت به اتفاق رخ داده است، موضوعی که موجب شد جلسه چهارشنبه گذشته مجلس، برای دقایقی به صورت غیرعلنی برگزار شود.

## پدیدارشناسی وقایع دی‌ماه ۱۳۹۶ در ایران

### تحلیل و پدیدار وقایع دی‌ماه در ایران

لازم به ذکر است مطالب ذکرشده صرفا تحلیل ذهن کنشگران دی‌ماه می باشد. عوامل ایجادکننده وقایع دی‌ماه را می‌توان به دو دسته داخلی و خارجی تقسیم کرد. عوامل داخلی عبارتند از:

#### ۱) حادثه مترو ۲۵ تیر؛ اصغر نحوی‌پور

به عقیده نگارنده، نخستین عاملی که سبب شد اغتشاش‌گران خود را از دولت جدا ببینند، حادثه مترو در ۲۵ تیرماه ۱۳۹۶ بود. در این حادثه میان یک روحانی و فردی به نام نحوی‌پور، بر سر امر به معروف چند دختر، نزاعی در گرفت و در انتها شخص معترض به فرد روحانی، با ضربه تیر پلیس کشته شد. اما قیل از مرگ خود، دوبار جمله «چشم فدای ایران» را فریاد زد و به‌سرعت فیلم این واقعه در شبکه‌های اجتماعی منتشر شد. در واقع این اتفاق اولین عاملی بود که گونه‌ای دوقطبی در ایران ایجاد کرد؛ البته دو سر این قطب را این‌بار نه جریان اصلاح‌طلب تشکیل می‌داد و نه جریان اصولگرا. افراد معترض این رخداد را در ذهن خود این‌گونه تفسیر کردند که روحانی مضروب، نماینده مسئولین و دست‌اندر کاران جامعه است و نحوی‌پور نماینده مردم ایران و در قطب مقابل قرار دارد.

#### ۲) ریش آقای شهریاری، ۱۹ مهرماه

واقعه تأثیرگذار بعدی را می‌توان اقدام عجیب مجری معروف تلویزیون دانست. برای اولین‌بار یک شخص معروف که از فساد جامع گلايه‌مند بود، این فساد را منتسب به مسئولینی دانست که در لئوی ظاهر دینی دزدی می‌کنند و به نشانه اعتراض ریش‌های خود را زد. در واقع نخستین‌بار در سطح جامعه بود که فردی چهره در نگاه عموم، هیچ‌کدام از دو طیف سیاسی کشور را خطاب قرار نمی‌دهد بلکه خطاب آن یک قشر از طبقه‌ای خاص است. در این‌جا نیز جریان دو قطبی میان مسئولین و مردم در ذهن مخاطب ایجاد می‌شود.

#### ۳) زلزله کرمانشاه؛ ۲۱ آبان (بی‌کفایتی مسئولین)

حادثه بعدی، زلزله کرمانشاه در تاریخ ۲۱ آبان‌ماه بود که در آن خرابی‌های به‌وجود آمده در مسکن مهر و عدم توانایی در امدادرسانی به‌موقع، سبب شد تا مخاطب در ذهن خود همان مسئولین قبلی – که در سر یک طیف بودند- را برای خویش یادآوری کند و این‌گونه تصور کند که او در قطب مقابل این مسئولین بی‌کفایت قرار دارد. به همین منظور شاهد بودیم طیف وسیعی از مردم ترجیح دادند به‌طور مستقیم به زلزله‌زدگان کمک کنند و هرگز با نهادهای دولتی همکاری نکنند.

#### ۴) بوکمال سوریه؛ ۱ آذر

در آذرماه کلیبی میان مردم منتشر شد و در آن فیلم به مخاطب القا می‌شد که کمک‌های مردمی کرمانشاه به شهر بوکمال سوریه منتقل شده است، هرچند بارها هلال‌احمر و دیگر مسئولین آن‌را تکذیب

کردند اما مخاطبی که اطمینانش را به مسئولین از دست داده بود و در کمک‌رسانی به نهادهای دولتی نیز این بی‌اطمینانی را به چشم دیده بود، به ظاهر هرگز این تکذیبیه را باور نکرد و شکاف دوقطبی مسئولین و مردم تعمیق شد.

#### ۵)روز دانشجو؛ ۲۰ آذر، منصور نظری

حادثه دیگر، تعریف وقایع عجیبی بود که به صورت کلیپ میان مردم دست‌به‌دست می‌شد. در این کلیپ شخصی به نام منصور نظری در دانشگاه صنعتی شریف و به مناسبت روز دانشجو، سخنرانی انتقادی ده‌دقیقه‌ای را در مقابل سخنگوی قوه قضاییه ایراد و در آن ادعا کرد از یک مسئول شکایت کرده و به‌جای آن فرد، او را دستگیر کرده‌اند. این سخنرانی چه درست و چه نادرست، تأثیر خود را بر مخاطبانی که خود را در طیف و قطب مقابل می‌دیدند، گذاشته بود.

#### ۶) لایحه بودجه؛ ۲۱ آذر

در این تاریخ برای اولین‌بار لایحه بودجه به‌صورتی شفاف در دسترس عموم قرار گرفت و موجی از شگفتی و تحلیل‌های مختلف از چگونگی تخصیص منابع مالی در میان مخاطبان به‌وجود آمد و آن‌ها احساس کردند که حق‌شان پایمال شده و در سال آینده نیز شاهد گرانی بنزین و دیگر اقلام به‌صورتی سرسام‌آور هستند.

#### ۷) خاتمی؛ ۳۰ آذر

در همان روزهای ارائه لایحه بودجه، موج پشیمانی از رأی‌دادن به حسن روحانی میان طیف خاصی از مردم با همراهی عده‌ای از سلبریتی‌ها در جامعه به راه افتاد و در نهایت به یک‌باره سیدمحمد خاتمی کلیپ چنددقیقه‌ای را منتشر کرد و در آن این موج پشیمانی از رأی‌دادن را دسیسه نامید. در چنین شرایطی افراد اغتشاش‌گر دی‌ماه فاصله بیشتری میان خود و مسئولین احساس کردند و این‌گونه صحبت‌های خاتمی را برای خود برساخته کردند که دیگر حتی امیدی به اصلاح و اصلاحات هم نیست.

#### ۸) خروج آیت‌الله هاشمی شاهرودی از کشور برای درمان؛ ۳ دی

مورد بعدی که می‌توان نام برد و زمزمه‌های بسیاری را در میان مردم برانگیخت، سفر رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام بود. در این‌جا اغتشاش‌گران خود و بیماران خود را با ایشان همسان‌سازی کردند و در تصور و فهم خویش، بیش از پیش میان خود و مسئولین احساس جدایی کردند.

#### ۹) سخنرانی‌های سلسله‌وار احمدی‌نژاد در آذر و دی‌ماه (زنبیلیه)

سخنرانی‌های ساختارشکنانه محمود احمدی‌نژاد در ارتباط با قوه قضاییه و نهادهای امنیتی و اتهاماتی را که به این بخش‌های حاکمیت وارد کرد را می‌توان یکی از موارد اصلی این سلسله وقایع دانست؛ چرا که این‌گونه در ذهن مخاطبان نقش بست که دیگر به تکیه‌گاه و دادخواه مظلومین اعتمادی نیست و عدم برخورد قاطع با

ایشان بر شائبه حقیقت داشتن این اتهامات، روزبه‌روز در ذهن اغتشاش‌گران پررنگ‌تر شد.

اما تنها رخداد‌های داخلی سبب دو قطبی‌شدن میان برخی از شورش‌گران و مسئولین نبود، بلکه وقایع و اخبار خارجی (چه درست چه نادرست) نیز تأثیر زیادی بر رویدادهای دی‌ماه داشت که به برخی عوامل خارجی اشاره می‌شود:

#### ۱) اصلاحات عربستان؛ ۱۱ مهر

در تاریخ مورد نظر، به یک‌باره در خبرگزاری‌های خارجی و داخلی دم از اصلاحات ساختاری اساسی در عربستان زده شد و براساس همین اخبار، افراد نقش‌داشته در ناآرامی‌های دی‌ماه آن را باور کردند. اخباری هم‌چون مبارزه عربستان با شاهدگان فاسد، آزادی ورود زنان به ورزشگاه، آزادی رانندگی زنان، آزادی خوانندگی زنان و... تمام این موارد سبب همانندسازی و مقایسه میان این اخبار – که از سوی عده‌ای مورد باور قرار گرفته بود- و اخبار اوضاع داخلی ایران شد و ناخودآگاه سبب جدایی بیشتر مسئولین و طیف مذکور شد؛ چرا که خواستار چنین اصلاحاتی را بودند.

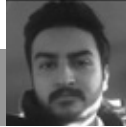
#### ۲) وزیر زن ایرانی در امارات؛ ۲۹ مهر

مورد آخر را می‌توان انتخاب یک وزیر زن ایرانی در کابینه دولت امارات متحده عربی دانست. این عامل نه‌تنها سبب ایجاد همانندسازی در ذهن مخاطبان و دوقطبی‌سازی در خیال آنان شد، بلکه این اتفاق را می‌توان به‌طور مستقیم و غیرمستقیم بر دختران خیابان انقلاب نیز موثر دانست که بررسی آن خارج از این تحلیل می‌باشد.

#### جمع‌بندی

وزیر کشور در مصاحبه‌ای مورخ ۲۰ آسفند ۱۳۹۶ بیان کرد که ۶۰٪ کسانی که در اعتراضات دی‌ماه حضور داشتند، شاغل بودند و مسئله صرفا بیکاری و فشار اقتصادی نبوده است. باتوجه به گفته وزیر کشور و موارد مذکور در این یادداشت، به نظر می‌رسد ایجاد نوعی بی‌اعتمادی نسبت به مسئولین در ذهن طیف خاصی از مردم که به خیابان آمدند، سبب اعتراضات دی‌ماه شده است. به‌گونه‌ای که آن دسته از مردم خود را در یک قطب از نزاع و مسئولین را در قطب مقابل می‌دیدند و برای پیروزی در این نزاع وارد خیابان شدند. علاوه بر این، عدم شفاف‌سازی و اقتناع مردم در شبهات ایجادشده، سبب تشدید این رخدادها شد. در انتها دوباره متذکر می‌شوم بیشتر موارد مذکور مورد تأیید نویسنده نیست و بر عدم واقعیت آن نیز تأکید دارد، هدف از این تحلیل تنها بیان چرایی شورش خیابانی افراد در دی‌ماه سال ۹۶ بود تا شاید بتوان کمکی در راستای چاره‌اندیشی مسئولین و رفع موانع برای جلب اطمینان آن عده از مردم ایران باشد تا دیگر بار شاهد این وقایع تلخ در کشور نباشیم.

## تغییر دکترین نظامی ایران؛ دستاورد حضور نظامی در سوریه



سیدمحمدعلی شاهین  
کارشناسی گفتاردرمانی ۹۴

رویکردهای مشخصی بود. تجربه جنگ هشت‌ساله به فرماندهان نظامی ایران نشان داد که برای پیروزی در یک جنگ، داشتن موشک زمین به زمین و دوربرد و هم‌چنین نیروی زمینی لازم است. بر اساس همین اصل هم توسعه موشک‌های بالستیک و دوربرد با قدرت پیگیری شد. حمله عراق به کویت و هم‌چنین جنگ خلیج‌فارس و عملیات طوفان صحرا اهمیت حوزه پدافندی را نیز بیش از پیش آشکار ساخت. وجود آمریکا به‌عنوان یک دشمن جدید و دائمی در منطقه خاورمیانه در کنار اسرائیل باعث شد تا دکترین نظامی ایران برای نخستین‌بار تغییر ماهیت دهد. تا پیش از شروع بحران در سوریه دکترین دفاعی ایران در سه حوزه متمرکز بود. نخست بازدارندگی موشکی با موشک‌های برد بلند برای مقابله با تهدیدات اسرائیل و میان‌برد برای مقابله با پایگاه‌های آمریکا در کشورهای منطقه، حوزه دوم پدافند در دریا به وسیله موشک‌های ضدسطحی و هم‌چنین شناورهای نظیر ناوشکن‌ها و قایق‌های تندرو و سومین حوزه هم توسعه پدافندی کشور به وسیله انواع رادارها و سامانه‌های دفاع هوایی بود. حوزه اول و دوم عملا پس از حضور در سوریه و سپس عراق دچار بازنگری اساسی

شد. حضور آمریکا با شناورهای قدرتمند خود در منطقه سبب شد تا فرماندهان نظامی ایران تصمیم بگیرند قدرت ضدسطحی خود را افزایش دهند تا بتوانند با وجود عدم در اختیار داشتن نیروی دریایی هم‌تراز، با قدرت‌های فرمانطقه‌ای مقابله کنند. تولید موشک‌های ضدسطحی نظیر قدیر را می‌توان از مهم‌ترین اقدامات نیروهای مسلح در این حوزه دانست. ایران در سوریه هم‌چنین درک جدیدی از شیوه‌های نوین رزمی پیدا کرد. هرچند که نبرد در سوریه جنگ با گروهک‌ها و شبه‌نظامیان بود اما به علت وجود بازیگران بین‌المللی بسیار شاهد همه نوع رزم بودیم که کمک شایانی به فرماندهان نظامی ایران برای بازنگری در سیاست‌های نظامی خود کرد. حضور در کنار نظامیان کارآزموده روس و مشاهده کارآمدی سلاح‌های انفرادی آنان در مقابل ضعف‌های بسیار سلاح‌های داخلی، تلنگر مهمی به فرماندهی نظامی ایران وارد آورد. این تلنگر سبب شد ستاد کل نیروهای مسلح عزم خود را برای نوسازی تسلیحات انفرادی نیروهای ویژه خود بگیرد. در کنار سلاح‌های انفرادی نیروهای زرهی هم اهمیتی دوباره یافتند. پس از جنگ هشت‌ساله نیروهای زرهی در

ایران تقریبا نیرویی تشریفاتی به‌شمار می‌رفتند. باوری در میان تصمیم‌گیران نظامی در کشور وجود داشت که ایران هیچ دشمنی ندارد که در مرزها بخواهد با آن درگیر شود. به‌همین خاطر به ادوات زرهی در کشور در حد و اندازه تبلیغات توجه می‌شد و استفاده از آن محدود به رزمایش‌هایی برای شلیک گلوله‌های قدیمی آن بود. اما نقش زرهی در جنگ سوریه برای فرماندهی نظامی ایران به صورت عینی ثابت شد و خیلی سریع هم در دستور کار قرار گرفت. تانک کرار که حاصل یک ارتقای سنگین بر روی تانک‌های تی ۷۲ می‌باشد خروجی همین تصمیم است. در کنار نیروهای زرهی پس از مشاهده عملیات‌های بالگردهای روسی، اهمیت یگان‌های هوانیروز نیز اثبات شد. در همین راستا می‌توان تشکیل یگان هوانیروز سپاه پاسداران را تفسیر نمود. در پایان باید یادآور شد حق ذاتی هر کشوری برخورداری از آمادگی زمینه‌های دفاع از خود می‌باشد و بر اساس این حق ذاتی، ارتقای امنیت و قدرت بازدارندگی در مقابل تهدیدها از اصول راهبردی و خدشه‌ناپذیر در دکترین نظامی جمهوری اسلامی ایران است.



## انتصاب دکتر مهدی کرمانی به عنوان مدیر فرهنگی و فعالیت های داوطلبانه دانشگاه فردوسی مشهد



دکتر محمد کافی، رئیس دانشگاه فردوسی مشهد، در حکمی دکتر مهدی کرمانی، استادیار گروه آموزشی علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه را به مدت دو سال به سمت مدیر فرهنگی و فعالیت‌های داوطلبانه دانشگاه فردوسی مشهد منصوب کرد. لازم به ذکر است دکتر مهدی کرمانی، معاون مرکز مشاوره و توانمندسازی و مسئول دفتر آموزش‌های شهروندی و مهارت‌های اجتماع‌محور دانشگاه، مدیر برنامه‌ریزی و کنترل عملکرد و مدیر پژوهشی ستاد توانمندسازی زنان شهرداری تهران، دبیر اجرایی اولین برنامه پژوهشی و همایش زنان وزندگی شهری، مشاور تحقیق و توسعه شهردار منطقه ۹ و کارشناس اداره کل ارزشیابی مدیران شهرداری تهران نیز بوده است.

## در جست و جوی شهری حاشیه!



### در جستجوی شهری حاشیه تبیین پدیده حاشیه‌نشینی در ایران از دو منظر جامعه‌شناسی و محیط زیستی

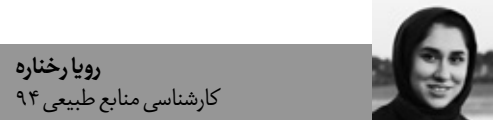
می‌راند. دانشگاه هاروارد و چندین دانشگاه دیگر پیرامون موضوع ظهور داعش تحقیقات جامعی انجام دادند و متوجه شدند بخش زیادی از افرادی که جذب بدنه داعش و نه رهبران آن‌ها شده‌اند، زمانی انسان‌های شریفی بودند که در سرزمین خود کشاورز بودند و هویت و شخصیت مستقلی را داشتند اما به دلایلی از جمله خشک‌سالی، تخریب منابع سرزمین، تخریب منابع آبی و تخریب محیط زیست مجبور به مهاجرت شدند و به خلا هویتی دچار شدند لذا جذب عناصر هویت‌بخش دیگری به نام‌های داعش، طالبان، القاعده و گروه‌های افراطی مذهبی شدند. این گروه‌های افراطی در تشخص‌بخشی به افرادی که سرگردان هستند، ماهرانه اقدام می‌کنند و به‌خوبی می‌توانند عنصر هویت را به این اشخاص تزریق کنند. برای مثال زمانی که مشکلات زیست‌محیطی در سوریه به وجود آمد، حدود ۱.۵ میلیون نفر مهاجرت کردند و به حاشیه شهرها رفتند و به گروه‌های افراطی پیوستند. در سومالی و تا حدودی سودان، ازبکستان، رقتن دولت مرکزی، به هم خوردن نظام‌های اجتماعی، خشک‌سالی‌های شدید به‌علاوه حمله ماهی‌گیران چینی به سواحل سومالی - که باعث تخلیه منابع شیلاتی و معیشت مردم روستایی شد - موجب ظهور دزدان دریایی سومالی شد. این دزدان چندین سال به تنگه عدن و باب‌المندب و مناطق اطراف آن وحشت افکندند و در حال حاضر هم‌چنان فعالیت می‌کنند. روزگاری این افراد، کشاورزان شریفی بودند که قسمت عمده معیشت‌شان از دریا بود اما متسافانه بخشی از این افراد به دزدان دریایی تبدیل شدند.

دکتر مهدی کرمانی، استادیار گروه آموزشی علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه را به مدت دو سال به سمت مدیر فرهنگی و فعالیت‌های داوطلبانه دانشگاه فردوسی مشهد منصوب کرد. لازم به ذکر است دکتر مهدی کرمانی، معاون مرکز مشاوره و توانمندسازی و مسئول دفتر آموزش‌های شهروندی و مهارت‌های اجتماع‌محور دانشگاه، مدیر برنامه‌ریزی و کنترل عملکرد و مدیر پژوهشی ستاد توانمندسازی زنان شهرداری تهران، دبیر اجرایی اولین برنامه پژوهشی و همایش زنان وزندگی شهری، مشاور تحقیق و توسعه شهردار منطقه ۹ و کارشناس اداره کل ارزشیابی مدیران شهرداری تهران نیز بوده است.

## مناظره فرصتی برای ...

دانشجویان را به بحث‌برانگیزترین دوره این مسابقات تبدیل کرد. سطح نازل کیفی دو مسابقه نیمه نهایی و البته مسابقه فینال، شاید مهم‌ترین فرآورده از فرآیند ضعیف بخش‌های مختلف این دوره از مسابقات باشد. چرایی عدم رشد کیفی مسابقات مناظره دانشجویان در دوره هفتم در مقایسه با ادوار مسابقات، از زوایای مختلفی قابل تحلیل است اما به نظر نگارنده عدول این مسابقات در مرحله کشوری از اهداف نخستین خود و تنزل آن به ابزاری برای دست‌یابی به اهدافی دیگر، مهم‌ترین آسیب برای این مسابقات است. توضیح آن که مسابقات مناظره ملی در دست متولیان کشوری آن، به ابزاری برای مانور تبلیغاتی سازمان و چانه‌زنی در راستای پیشبرد سیاست‌های آن بدل شده است؛ انتخاب گزاره‌ها و داوران مسابقات در دوره هفتم با توجه به همین ملاحظات قابل توجیه است. بدین ترتیب مسابقه‌ای که هدف آن یادگیری و افزایش شور و نشاط در میان دانشجویان بود، با ملاحظاتی سازمانی، به ابزار و وسیله‌ای برای اهداف دیگری تبدیل شد و در نهایت کارکرد اصلی مسابقات به حاشیه رفت. تعجیل در برگزاری صرف، ساعت نامناسب برگزاری

برگزار می‌شود. پایان هر دوره از مسابقات فرصت مغتنمی است تا با ارزیابی روند آن، بتوان نقاط ضعف را جبران و به بهبود سطح کیفی این مسابقات کمک کرد. یکی از محمل‌های مناسب برای ارزیابی مسابقات مناظره دانشجویان، میزان انطباق این مسابقات با اهدافی است که برگزارکنندگان آن مدنظر داشته‌اند. در واقع باید دید که مسابقات مناظرات دانشجویان به چه میزان توانسته است در راستای اهداف خود گام بردارد. هفتمین دوره از مسابقات مناظره، با توجه به تجربیات حاصل از شش دوره پیشین مسابقات و علی‌رغم تلاش‌های صورت گرفته کادر اجرایی در راستای افزایش سطح کیفی در بخش‌های داور، گزاره‌های پیشنهادی و... متأسفانه نتوانست انتظارات شرکت‌کنندگان را برآورده کند. استفاده از داوران چهره اما در عین حال بیگانه با روند مسابقات، استفاده از گزاره‌های جدلی و بحث‌برانگیز سیاسی روز به جای گزاره‌های علمی و منطقی، نحوه چیدمان تیم‌های شرکت‌کننده و عدم تناسب میان تیم‌های بالا و پایین جدول مسابقات و... هفتمین دوره از مسابقات مناظره



رویا رخناره  
کارشناسی منابع طبیعی ۹۴

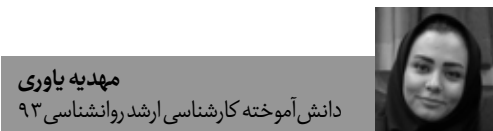
پیش‌گزارش؛ روند شکل‌گیری حاشیه‌نشینی در ایران به مولفه‌های مختلفی از قبیل مسائل اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، محیط زیستی و... وابسته است. در سه دهه گذشته با توسعه صنعت، پالایشگاه‌های نفت، صنایع گاز و پتروشیمی و به تبع آن استفاده بیش از حد از منابع طبیعی و تجدیدناپذیر و سدسازی‌های بی‌رویه، دوره‌های خشک‌سالی در کشور طولانی شده‌اند، رودخانه‌های دائمی و منابع حیاتی بیشتر جوامع روستایی و بعضاً شهری از بین رفته‌اند و همین امر باعث خالی‌شدن بسیاری از روستاها و رانده‌شدن عشایر به حاشیه شهرها شده است. حاشیه‌نشینان بیشتر افراد مهاجر روستایی و عشایر و کم‌تر شهری هستند. این افراد غالباً به‌علت رانش زادگاه خود و کم‌تر به‌دلیل عوامل جاذب شهری، زادگاه خود را ترک کرده و به شهرها روی می‌آورند. آن‌ها از یک سو به دلیل عدم تطبیق با محیط شهری و از سوی دیگر بر اثر عوامل پس‌ران شهری، از محیط‌های شهری پس زده می‌شوند و به‌تدریج در کانون‌های بهم‌پیوسته یا جدا از یکدیگر در قسمت‌هایی از شهر سکنی می‌گزینند. سازمان دانشجویان جهاددانشگاهی با مشارکت سازمان اجتماعی و فرهنگی شهرداری مشهد به‌منظور تبیین پدیده حاشیه‌نشینی در ایران، نشست با عنوان «در جست‌وجوی شهری بی‌حاشیه»، در تاریخ ۱۸ آذرماه در دانشکده منابع طبیعی و محیط زیست دانشگاه فردوسی با حضور دکتر کمال‌الدین ناصری، دانشیار گروه مترجم‌داری دانشکده منابع طبیعی و محیط زیست و دکتر احمدرضا اصغریور ماسوله، استادیار گروه جامعه‌شناسی دانشکده ادبیات، برگزار کرد و به بیان چگونگی شکل‌گیری پدیده حاشیه‌نشینی در ایران از دو منظر محیط زیستی و جامعه‌شناسی پرداخت. در ادامه شرح مختصری از این نشست را که با استقبال بی‌نظیر اساتید و دانشجویان مواجه شد، می‌خوانید.

دکتر اصغریور در این نشست اظهار داشت که تمرکز بر حاشیه، ما را از اصل موضوع گمراه می‌کند؛ زیرا هیچ‌گاه نمی‌توانیم حاشیه شهر مشهد را جدا از مشهد، تغییرات اقلیمی آن، رابطه مشهد با پایتخت و سیاست‌هایی که در مرکز گرفته می‌شود بدانیم. اگر غیر از این باشد یک ساده‌سازی یا یک تقلیل‌گرایی آسیب‌زننده است که نتیجه آن مقصر دانستن مردم ساکن در آن مناطق خواهد بود و سبب می‌شود آن‌ها را عامل بهم‌خوردن طبیعت و اجتماع در آن محل بدانیم. اگر با نگرش سیستمی به موضوع نگاه کنیم، یک مقصر وجود ندارد و ساختار را مقصر می‌دانیم اما نقدی که به این دیدگاه وارد می‌شود این است که اگر همواره دیدگاه ساختاری داشته باشیم هیچ راه‌حلی برای این موضوع پیدا نخواهیم کرد. پرسش قابل طرح این است که چه کنسی حاشیه‌نشینی و مفهوم آن را تعیین و تبیین کرده‌است؟ باید توجه داشته باشیم افرادی که در حاشیه زندگی می‌کنند، نماینده‌ای در سازمان‌های تصمیم‌گیرنده ندارند و صدایشان شنیده نمی‌شود. براساس قانون اساسی، حق انتخاب محل زندگی برای همه ایرانیان در نظر گرفته شده است اما به دلیل اقتصاد کلان بیمار - که همان اقتصاد رانتی نفتی است -

به معنای واقعی فاجعه ملی بود؛ در اثر ساخت این سد محوطه‌های تاریخی بسیار قدیمی و بناهای تاریخی و قدیمی از زمان هخامنشیان زیر آب رفتند. بسیاری از روستاها تخریب شد. پاسارگاد در معرض خطر قرار گرفت. چند هزار اصله درخت کهن‌سال در تنگه براق از بین رفت، مسیر کوچ حداقل چهار طایفه از عشایر بختیاری و قشقایی قطع شد و در مسیر عبور از دریاچه سد با مشکلات متعددی مواجه شدند و چندین نفر از عشایر کشته شدند. اما پس از گذشت چند سال گسل‌های آهکی در کف سد سیوند باز شد و آب از کف سد فرو ریخت و متأسفانه دیگر سد پر نشد فلذا به هدف مدنظرشان نرسیدند. در زمان آب‌گیری این سد، شرکت آب منطقه‌ای تمامی املاک روستاییان اطراف را از آن‌ها خریداری کرد. اهالی روستاها به اجبار سرزمین‌شان را رها کردند و به حاشیه شهرها پناه بردند. جدایی از سرزمین و خلا هویتی منجر به بروز اضطراب در افراد می‌شود که تمایل بسیاری به رجعت و بازگشت دارند. در مقیاس کلان تاریخی نیز می‌گویند انسان‌ها همه رانده شده از بهشت هستند و همیشه جویای این هستند که به بهشت بازگردند و این موضوع جهان شمول است. مثال دیگر قابل ذکر این است که حدود یک ماه قبل قاسم سعادی، رئیس مجمع نمایندگان خوزستان، اعلام کرد در یک نظرسنجی که به تازگی صورت گرفته است، ۹۵ درصد مردم خوزستان قصد مهاجرت از خوزستانی را دارند که از کهن‌ترین زیست‌گاه‌های بشر بود. دولت‌مردان تلاش کردند خوزستان را توسعه دهند؛ کارخانه فولاد، سد و... را احداث کردند اما حاصلی جز مهاجرت مردم نداشت. مصداق بارزتری که می‌توان بیان کرد این است که در معرض کوچ‌های بزرگ در کشور هستیم و آثار آن هم اکنون شروع شده است و در آینده قطعاً بیشتر خواهد شد و نتیجه بهره‌کشی ناخردانه از طبیعت و سرزمین‌مان است. خیل عظیمی از جمعیت به سمت عرض‌های شمالی در حرکت هستند و از مناطق دشتی و جنوبی ایران به سمت کوهپایه‌های البرز و زاگرس حرکت می‌کنند و در حال حاضر حدوداً ۸۰ درصد جمعیت ما در حاشیه البرز و زاگرس می‌باشند و نتیجه این امر تعارضات بیشتر خواهد بود؛ تعارضاتی که امروزه در رسانه‌ها مشاهده می‌کنید و همانند آن در گذشته نبوده است. از نزاع‌های میان نمایندگان مجلس گرفته تا نزاع‌های مردمی بر سر لوله‌های خط انتقال آب.

دکتر ناصری علت این مشکلات را از زمانی می‌داند که تکنوکرات‌ها و مهندسی‌ن کشور، نظر به پردازان توسعه شدند و به‌جای این که امر توسعه در کشور ما موضوع مورد بررسی جامعه‌شناس‌ها باشد، موضوع مهندسی‌ن شد. درحالی که توسعه موضوعی جامعه‌شناختی است. هدف توسعه شادمانی است نه پروژه اما توسعه را به پروژه تقلیل دادیم و به نام آوردن توسعه، پروژه آوردیم و حاصل آن مردمانی آفسردتر، آوارتر، بی‌هویت‌تر و مستعدتر برای بزهکاری و آسیب‌های اجتماعی و این قبیل مسائل شد. هویت سرزمینی، یک بخش بسیار مهم از خودآگاهی ماست. جدا شدن از آن میل بازگشت و رجعت را در ما تقویت می‌کند و این تمایل حتی پس از مرگ از میان نمی‌رود.

بخش پایانی این نشست به پرسش‌های علاقه‌مندان اختصاص داده شد و اساتید محترم به سوالات پاسخ دادند.



مهدیه یاری  
دانش آموخته کارشناسی ارشد روانشناسی ۹۳

هفتمین دوره مسابقات ملی مناظره دانشجویان ایران، به همت سازمان دانشجویان جهاددانشگاهی ایران، در آذرماه سال جاری در دانشگاه علم و فرهنگ تهران برگزار شد. ۱۲ تیم منتخب مرحله کشوری که از میان ۵۷۷ تیم از سراسر کشور پس از طی مراحل استانی و منطقه‌ای به ایستگاه نهایی رسیده بودند، برای تصاحب نشان خواجه نصیرالدین طوسی با یکدیگر به رقابت پرداختند. در نهایت تیم «جیم» از دانشگاه تهران با غلبه بر تیم «راه سبز امید» از دانشگاه اصفهان در مسابقه فینال، موفق به کسب عنوان قهرمانی این دوره از مسابقات شد. لازم به ذکر است که مسابقات ملی مناظره دانشجویی ایران هر ساله در ماراتنی ماهه، با شعار «فرصتی برای یادگیری» و اهدافی نظیر ارتقاء فرهنگ گفت‌وگو، بسترسازی برای شکل‌گیری تفکر خلاق و نقاد در میان دانشجویان، ارتقاء دانش و آگاهی، آموزش مسائل و مطالب علمی به صورتی قابل‌پذیرش و اثر بخش



## کاخ سفید: بازگشت نظامیان آمریکایی از سوریه آغاز شده است



به گزارش مشرق به نقل از یورنیوز، کاخ سفید با صدور بیانه‌ای اعلام کرد روند بازگرداندن سربازان آمریکایی از سوریه آغاز شده است. بنابراین بیانیه، خروج نظامیان آمریکایی از این کشور، برای گذار به یک مرحله جدید از «جنگ علیه داعش» است. سارا هاکیبی سنדרز، سخنگوی کاخ سفید در این بیانیه گفته است که این تغییر رویکرد، به معنای پایان کار ائتلاف بین‌المللی علیه داعش نیست. رویترز به نقل از یک مقام آمریکایی اعلام کرد جدول زمانی پیش‌بینی شده برای عقب‌نشینی نیروها از سوریه ۶۰ تا ۱۰۰ روزه است. پیش از این دونالد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا در حساب توئیتری خود نوشت دیگر دلیلی برای حضور نیروهای آمریکایی در سوریه وجود ندارد. یک مقام مسئول در وزارت دفاع آمریکا (پنتاگون) گفته است ترامپ تصمیم به خروج از سوریه را با توجه به تمایلش که مدت‌هاست در ذهن دارد اتخاذ کرده است.

## تبارشناسی خشونت در جوامع مسلمان

مسلمانان معاصر از سیاست‌های نادرست استعماری و استثمار غربی‌ها و سیاست‌مداران داخلی دارد. با دقت به جریان خشونت در اسلام، دال‌ها و واقعیت‌های دینی که توجیه‌کننده خشونت باشد، بسیار اندک و ناچیز است. اما در مقابل با شکل‌گیری تضادهای فکری، خشونت در پایان دلیل برای توجیه مباحث علمی تکوین یافت. یعنی آن‌گاه که مباحث علمی در توجیه دیدگاه‌ها با ضعف ادله مواجه شد، خشونت برای تسویه‌حساب سر بر آورد. تکفیر ابزار ضعف دلیل علمی در مواجهه با دیگری است که در دوره اوج علمی تمدن اسلامی از سوی سلفی‌گرایان نمود یافت. آنان به‌دلیل ترس از خوانش‌های گوناگون از اسلام و شکل‌گیری نخله‌ها و گروه‌های فکری مختلف، خواستار بازگشت به عصر پیامبر و یک‌دست‌سازی جامعه از لحاظ فکری بودند. عدم درک پیشرفت علمی در جوامع اسلامی، آنان را به سمت رویارویی خشونت‌گرایانه با ابزار تکفیر کشاند. در دوره معاصر نیز عدم توانایی مسلمانان سلفی از درک و فهم تحول پیشرفت‌گرایانه جوامع مسلمان به مقابله با این جریان از طریق تحریک علیه هرگونه پیشرفت مبادرت ورزیدند. اوج این جریان‌ها، جریان‌هایی بودند که میدان مبارزه خشونت‌گرایانه خود را از جوامع مسلمان به جوامع غربی سوق دادند. با تعریف دشمن جدید به نام غرب -که هم کافر و هم ضد مسلمانان هستند- خشونت علیه آنان را مباح دانستند.

در یک جمع‌بندی کلی باید به این نکته توجه کرد که در ابتدا افکار مسلمانان را باید از اسلام تفکیک کرد. سپس بسترهای اجتماعی و سرخوردگی‌های مسلمانان از دیگری را باید به‌مثابه عامل اصلی تکوین خشونت در جوامع مسلمانان دانست. رشد آگاهی و پذیرش دیگری به‌عنوان هم‌فکری که می‌تواند ما را در مسیر پیشرفت قرار دهد؛ امر بایسته‌ای است که با پذیرش آن می‌توان جریان خشونت‌گرا در جهان اسلام را منزوی کرد و به حاشیه برد.

داد. در مقابل این جریان گروه‌های سنت‌گرای خواستار فهم اسلام مطابق فهم عصر رسول‌الله هم سر بر آوردند. این جریان سلفی‌گرا از ابزار تکفیر جهت مواجهه با دگراندیشان بهره برد. علت اصلی تکفیر، ریشه در ناتوانی در پاسخ به پرسش‌ها و دیدگاه‌های جدید بود. بر این اساس جامعه مسلح به سلاح ایمان، با دریافت تکفیر اقدام عملی خشونت‌گرایانه را نهادینه ساخت، چه بسیار فیلسوفان، شاعران، متکلمین و... به دلیل دگراندیشی عمر خود را بر سر دیدگاه‌ها و اعتقادات نوین خود از دست دادند. این رویه در اسلام نه از بنیاد دین که از روش‌های دین‌داران در مواجهه با دگراندیشی سر بر آورده است. دین‌داران نیز روش‌های رویارویی با مخالفان فکری خود را به‌ناچار به‌وسیله پیامبر توجیه می‌ساختند. این شیوه باعث نهادینگی بنیاد تکفیر در جهان اسلام شد.

آن‌چه در دو قرن اولیه اسلام توسط متفکران دین‌دار در مواجهه با دگراندیشی نهادینه شد؛ بعدها در مواجهه با اندیشه‌های نوین دنیای مدرن دوباره با شدت بیشتر خود را بازتولید کرد. سقوط امپراطوری عثمانی و تقسیم جهان اسلام به بخش‌های متفک از یک‌دیگر، بر اساس مذاهب گوناگون امر تکفیر را بیشتر کرد. با وجود آن‌که در اسلام با روایت صحیح از پیامبر مبنی بر حرمت ترور تاکید شده است؛ با تفسیری دشمن‌تراشانه اقدام به توجیه ترور و کشتار و خشونت در جوامع مختلف کردند. این امر در دوره معاصر با ترور رهبران و روسای جمهور کشورهای مسلمان در قالب ضدیت با اسلام آغاز شد. سپس مسیر در فرآیند برسازی خود، در قالب یک جریان به‌صورت یک فکر تعریف جدید و نوینی از دشمن برای خود ارائه داده و به اقدام‌های عملی خشونت‌گرایانه مبادرت ورزیدند. جریان طالبان و بعد از آن داعش، رویکرد سازمان‌یافته فکر خشونت در اسلام است که از یک‌سو ریشه در تاریخ خون‌بار فرهنگ مسلمانان دارد و از سوی دیگر ریشه در محرومیت‌ها و سرخوردگی‌های

می‌شدند. اما از آن‌جا که هیچ ضمانت اجتماعی بر حفظ این پیمان وجود نداشت، بسیار شکننده بودند. از این‌رو در این جامعه به دلیل این شکنندگی پیمان‌ها، جنگ میان طوایف و قبایل امری متداولی بود. این امر سبب تمایل جامعه به مردان جنگاور شد. در کنار این مسئله، شغل تجارت هم مردسالاری را بایسته کرده بود. از این‌رو در راستای کنترل جمعیت مرد و زن و جلوگیری از افزایش زنان در یک طایفه و یا یک خانواده درصورتی که تعداد زایمان دختر بیشتر می‌شد، قربانی کردن دختران را برای خدایان بت توجیه می‌کردند.

محیط بیابانی همراه با بافت اجتماعی، جامعه خشونت‌گرا را شکل داده بود. بر اساس همین رهیافت بود که ادونیس شاعر عرب اهل سوریه، ریشه بسیاری از رفتارهای خشونت‌بار اجتماع مسلمانان را ذهنیت تکوین‌یافته محیط عربی می‌دانست. وی بسیاری از رفتارهای خشونت‌گرایانه را -که امروز در بسیاری از جوامع توسط بنیادگرایان اسلامی انجام می‌شود- ریشه در بنیادهای معرفتی و غیرواقعی محیط اسلام تلقی کرده است. نگاه غیرت‌ساز مرد و زن و نیز بی‌توجهی به حق زنان را باید در معرفت‌های مسلمانان جست. گسترش اسلام به سرزمین‌های دیگر، همراه با سیاست‌ها غیرت‌ساز و عرب‌گرایی اموی در تشدید رهیافت خشونت‌گرایانه در اسلام بی‌تأثیر نبوده است. در دوره عباسی تلاش بسیاری در تعدیل این سیاست صورت گرفت؛ اما این رهیافت خشونت‌گرایانه خود را در مواجهه با دیدگاه‌های علمی جدید در بستر تمدن اسلامی خود را باز تولید کرد. ورود داده‌های علمی و الهیات سیاسی مسیحی و زرتشتی به تمدن اسلامی، زمینه خوانش و تفسیر از متن مقدس را به‌وجود آورد. از این‌رو در راستای تطبیق نیازهای جدید جامعه اسلامی، مسئله اجتهاد سر بر آورد. اجتهاد و تفسیر از متن مقدس، مطابق با زیست جهان جدید اسلام، دگراندیشی را در تمدن اسلامی به‌وجود آورد. این دگراندیشی نخله‌های فکری چون معتزله را شکل



محمد عثمانی  
دکتری علوم سیاسی ۹۶

چرایی خشونت در جوامع امروزی اسلامی، چالش‌ها و گفت‌وگوهای بسیاری را در داخل کشورهای اسلامی و خارج از آن‌ها به همراه داشته است. دانشگاه‌ها و عرصه جامعه مدنی همواره محلی برای گفت‌وگوی انتقادی بوده است. این بحث پس از حملات یازدهم سپتامبر به برج‌های تجارت جهانی آمریکا نمود یافت. در این میان عده‌ای بر این باور بودند که ذات و طبیعت نفی‌گرایانه اسلام که بنیاد تکفیری قوی در درون خود دارد عامل این خشونت‌ها است. عده دیگر سیاست‌های استعماری و نگاه تحقیرآمیز همراه با استثمار غرب پس از سقوط امپراطوری عثمانی را علت آن قلمداد کرده‌اند. گروهی دیگر نیز سرخوردگی توده‌های مسلمان از سردمداران سیاسی و حکام آنان را دلیلی بر این پرخاش خشمگینانه تلقی کرده‌اند؛ چرا که حکام و سیاست‌هایشان را بیش از آن‌که معطوف به مردم خویش بدانند، متمایل به غرب و منافع آنان دانسته‌اند. از این‌رو عدم توانایی در تغییر مسالمت‌آمیز حکام خود را در حمایت حامیان غربی آنان می‌دانند. به هر ترتیب اعتقاد به هر یک از این رویکردها، باعث طرح جدی این سوال مهم می‌شد که چرا خشونت در جوامع مسلمانان با تاکید ایدئولوژیکی صورت می‌پذیرد؟ فرضیه این نوشته بر این امر دلالت دارد که خشونت امروزی در جوامع مسلمانان، چه در بعد مبارزه با دیگری که توسط القاعده هدایت می‌شد و چه در بعد داخلی که به وسیله داعش صورت می‌پذیرفت، ریشه در بعد تاریخی اسلام از یک‌سو و تلقی یکسانی زیست جهان امروزی مسلمانان با آن دوره از سوی دیگر ریشه دارد. بر این اساس در دو بعد تاریخی فرآیند برسازی خشونت در دل اسلام سنتی از یک جهت و تلقی و خوانش آن تفکر توسط مسلمانان از جهت دیگر را مورد بررسی قرار می‌دهم.

با ظهور اسلام در شبه جزیره حجاز، تحول بزرگی در عرصه فرهنگی این جامعه به‌وجود آمد. پیامبر اسلام (ص) در مقام یک مصلح اجتماعی، تلاش بسیاری در تحول فرهنگی و اجتماعی این جامعه سنتی انجام داد. جامعه پیش‌اسلامی مبتنی بر فرهنگ طبقاتی تبعیضی که در آن اشراف طبقه بالای اجتماع بودند. در عین حال اشراف در راس قبایل وظیفه هدایت اجتماعی و سیاسی را بر عهده داشتند. طبقه میانه و زیرین جامعه، لایه بزرگ اجتماعی را شکل می‌دادند. عدالت مفهومی طبقاتی تعریف می‌شد؛ به‌صورتی که هر کس در جایگاه خود از موهبت‌هایی برخوردار است که حق او است. در این شرایط طلب بیش از استحقاق اجتماعی هر فرد در یک طبقه، برخورد خشن طبقات بالا را به همراه می‌آورد؛ زیرا که نظم طبقاتی به‌هم می‌خورد. در نتیجه تغییر کاست، عدالت اجتماعی از بین می‌رود. این رویکرد طبقاتی همراه با فضای خشن بیابان، روحیه عدم رواداری را بر ذهنیت اجتماعی مردم حاکم کرده بود. اوج این نگرش خشونت‌گرایانه را باید در زنده به‌گور کردن دختران جامعه مشاهده کرد. البته این فعل اجتماعی در راستای حفظ نظام مردسالارانه اجتماع صورت می‌گرفت. در جوامع قبایلی در راستای دفاع از خود، وارد مناسبات پیمانی و قراردادی با یک‌دیگر

## اندیشه سیاسی بنیادگرا؛ امکان یا امتناع

ادامه از صفحه ۱

می‌کنند، مدنظر قرارداده و از آن‌جا که برپایی حکومت اسلامی در میان مسلمانان در سراسر جهان، یک قاعده نیست، این گروه‌های بنیادگرا وجه سیاسی براندازانه به خود گرفته‌اند.

دیگر ویژگی بنیادگرایان اسلامی، تلاش آن‌ها برای تاسیس حکومت اسلامی است که با ایجاد بحران خلافت پس از فروپاشی امپراطوری اسلامی توسط متفکرانی هم‌چون محمدرشیدرضا مطرح و پس از آن توسط برخی از جوامع و نهضت‌های اسلامی دنبال شد. شاید بتوان این وجه را سیاسی‌ترین بعد اندیشه بنیادگرایی اسلامی دانست که نقطه اوج آن در دهه شصت و هفتاد میلادی از سوی اخوان‌المسلمین در مصر، جماعت اسلامی در پاکستان و فدائیان اسلام در ایران مورد توجه قرار گرفت.

بنیادگرایان اسلامی اگرچه نسبت به هم‌نامان خود در مسیحیت از تساهل بیشتری برخوردارند، اما اغلب

گروه‌های بنیادگرا پلورالیسم و تکثرگرایی در عرصه سیاسی و مذهبی را به رسمیت نمی‌شناسند. از آن‌جا کثرت‌گرایی به رسمیت‌شناختن و به‌نوعی تجلیل تفاوت‌ها و احترام به گروه‌های حاشیه‌ای است، بنیادگرایان با رواج آن به‌عنوان یک مسلک سیاسی -که در آن مرکز و اصل از اهمیتی هم‌پای حاشیه برخوردار است- به‌شدت مخالفند. مخالفت با کثرت‌گرایی زمانی که در رابطه با تفسیر احکام اسلامی باشد، رنگ و بوی خشونت بیشتری به خود می‌گیرد؛ چراکه هدف اصلی یک بنیادگرا، زدودن و حذف تفاسیر و روایاتی است که جوهر دین را چندپاره و چندتکه می‌کند. به باور بنیادگرایان دین دارای جوهری ثابت است که توسط پیامبر و صحابه نزدیک او، برای مسلمان تشریح و تبیین شده است و هر آن‌چه که مورد نیاز زندگی مسلمانان می‌باشد، در همان هسته اولیه قابل ردیابی و پیگیری است. این مساله سبب می‌شود حرکت‌های بنیادگرایانه،

محدود، مقطعی، بسته و معمولاً همراه با خشونت علیه سایر گروه‌های اسلامی و غیراسلامی باشد. محدود و مقطعی، از آن‌رو که توان بسیج حرکت‌های بنیادگرایانه و به‌طور کلی ایدئولوژی بنیادگرا به‌واسطه تعالیم افراط‌گرایانه و سخت‌نمی‌تواند در طولانی‌مدت دوام داشته باشد. شاید به همین دلیل در برهه‌هایی از تاریخ اوج غیرمنظطره و فروکش ناگهانی آن‌ها مشاهده می‌شود. بنیادگرایی چون مبتنی بر تعالیم مذهبی است و پیروان یک گروه خاص اسلامی را هدف قرار می‌دهد، نمی‌تواند گسترده باشد. ناکامی از دست‌یافتن به اهداف و موضع‌گیری آن‌ها علیه قدرت مستقر معمولاً سبب بروز خشونت و به‌کارگیری ابزارهای سخت قدرت می‌شود که از یک‌سو از جذابیت بنیادگرایی می‌کاهد و از سوی دیگر سرکوب شدید آن‌ها از سوی نظام سیاسی را توجیه‌پذیر می‌کند.

از آن‌جا که هر کدام از فرقه‌ها، نخله‌ها، گروه‌ها،

جنبش‌های بنیادگرا ویژگی‌های خاص خود را دارد، به‌طور کلی نمی‌توان دربراره همه آن‌ها حکمی کلی صادر کرد. اما سه ویژگی بالا را می‌توان با اندکی تسامح در اغلب گروه‌های بنیادگرای اسلامی مشاهده کرد. این پرسش که جایگاه داعش و القاعده در اندیشه‌های بنیادگرا کجاست، آیا می‌توان آن‌ها را بنیادگرا دانست یا خیر و پرسش‌هایی از این قبیل در چارچوب این نوشتار نمی‌گنجد اما نکته قابل توجه این است که سخن‌گفتن از اندیشه سیاسی بنیادگرا، قابل تردید است. همان‌گونه که در این نوشتار آمد، می‌توان از بن‌مایه‌های سیاسی حرکت‌های بنیادگرایانه پرده برداشت و وجوه سیاسی علیل بنیادگرایانه را مطالعه و بررسی کرد، اما سخن‌گفتن از اندیشه سیاسی بنیادگرا ادعایی است که نیازمند استنادات و استدلال‌های متقنی است که به نظر نگارنده دست‌یافتن به آن‌ها در حال حاضر، اگر غیرممکن نباشد، بسیار دشوار است.





## روایت وزیر اطلاعات از تجهیز جریان های تروریستی در خارج از مرزهای ایران

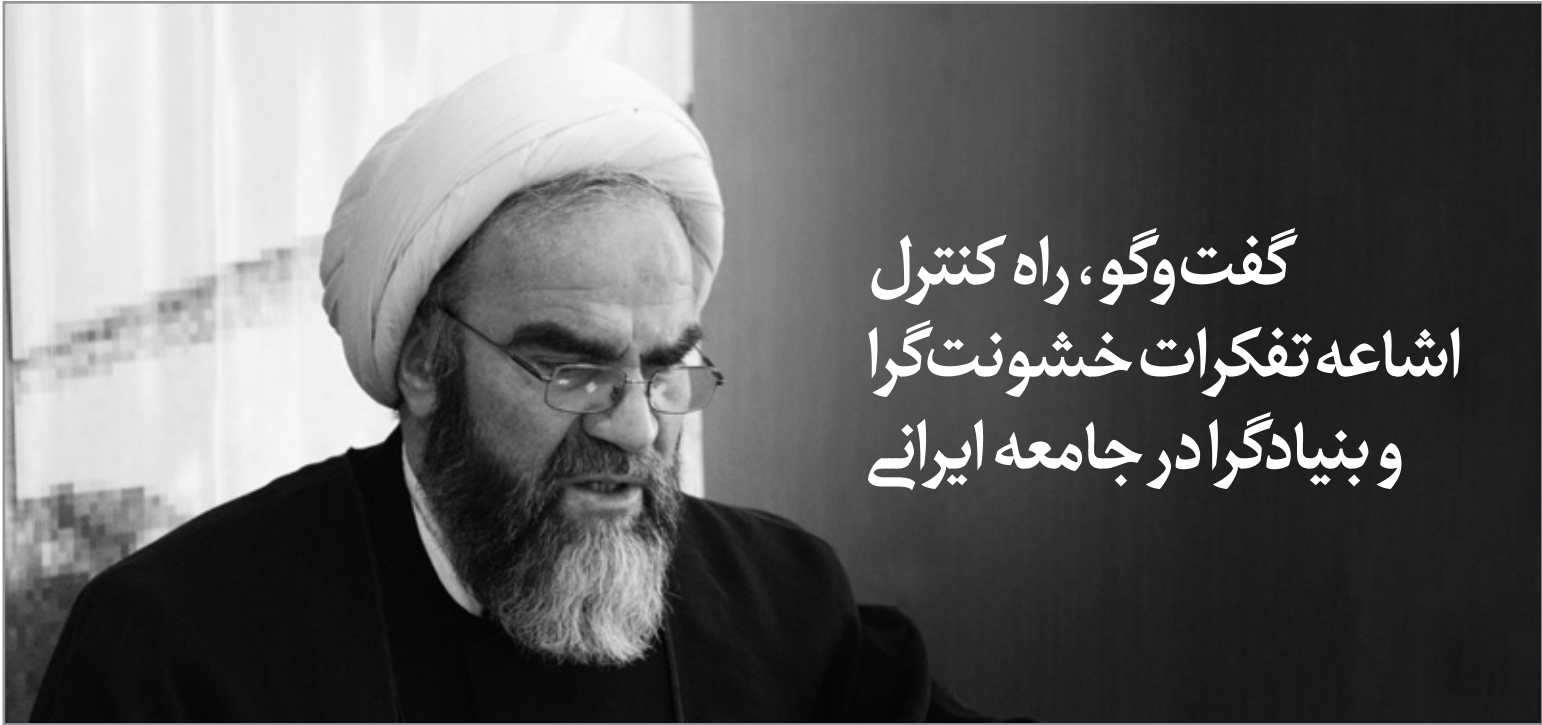
وزیر اطلاعات با بیان این که در حال حاضر تروریست‌ها از مراکز آموزشی مجهز و انبارهای عظیم اسلحه برخوردارند گفت: اگر قبلا تروریست‌ها با یک پیکان وانست و چند اسلحه کلاشینکف وارد کشور می‌شدند امروز با موتورهای قوی، ماشین‌های شاسی بلند، اسلحه تیربار و یا توپ‌های ضد هوایی به مرزها تعرض می‌کنند.

به گزارش ایسنا، سید محمود علوی در جریان طرح سوال نماینده میاندوآب در خصوص تمهیدات امنیتی وزارت اطلاعات برای رفع اقدامات مخمل امنیت اظهار کرد: شرایط امنیتی امروز ما متفاوت با سال‌های گذشته است ما با شرایطی مواجهیم که سرویس‌های امنیتی کشورهای همسایه و حتی کشورهای دور دست مستقیم علیه امنیت کشور وارد عمل شده‌اند و از جریان‌های گروه‌های تروریستی با تمام وجود هم به صورت نقدی و هم کالایی و هم آموزشی حمایت تمام عیار می‌کنند. وی اضافه کرد: ما سال‌هایی را پشت سر می‌گذاریم که یکی از حامیان تروریست‌ها یعنی داعش، دولت خودخوانده تشکیل داده بود و تروریست‌ها از مراکز آموزشی مجهز برخوردار بودند و به انبارهای عظیم اسلحه‌های ارتش سوریه و عراق دست پیدا کرده‌بودند. امروز هم داعش زمین را از دست داده ولی اسلحه را زمین نگذاشته است.



## آیت‌الله غرویان در گفت‌وگو با وقایع اتفاقیه مطرح کرد:

## گفت‌وگو، راه کنترل اشاعه تفکرات خشونت‌گرا و بنیادگرا در جامعه ایران



دهند. به‌طور مثال به‌دنبال ساخت یک جامعه با تنبیه هستند و گرایش به ترغیب و تشویق ندارند. این‌ها به نظر من به خلیقات و ذوقیات علما بازمی‌گردد تا به خود دین. برخی به‌دنبال آن هستند جهنم را به یاد مردم بیاورند تا بهشت. اما قرائت مقابلی نیز وجود دارد که بیشتر مایل به تشویق مردم به اسلام است و این دو قرائت در جامعه ایرانی وجود دارد.

**اشاره کردید که خشونت‌گرایی فعلی ارتباطی با بنیادگرایی ندارد. اما چگونه این قرائت خاص از فقه شیعه به‌وجود آمده و خشونت‌گرایی را تأیید می‌کند؟**

از نظر من چندان نمی‌توان نحوه ایجاد این قرائت خاص را مشخص کرد و از سویی نمی‌توان بیان کرد که افراد مایل به خشونت بنیادگرا هستند. به نظرم تعریف بنیادگرایی متفاوت است. یعنی خشونت‌گرایی و روش استفاده از خشونت، روش پیامبر و ائمه بوده است؛ در حالی که به نظر من این که این افراد روش‌های خودشان را به پیامبر انتساب می‌دهند، ناشی از فقاقت آنان است. می‌توان روش پیامبر و اهل بیت را به نحو دیگری استنباط کرد. این مسئله بیشتر به ذوق استنباطی آنان بازمی‌گردد. می‌توان روش‌های جاذبه‌دار را استنباط کنیم.

**به‌نظر شما راه کنترل اشاعه تفکرات خشونت‌گرا و بنیادگرا در جامعه ایرانی چیست؟**

راه کنترل اشاعه تفکرات خشونت‌گرا و بنیادگرا در جامعه ایرانی، شکل‌گیری بحث و گفت‌وگو است. بها دادن به عقل و عقلانیت بایستی توسط کسانی که اعتقاد دارند، دائما ارائه شود. بایستی مباحث روز در نهادهای منتقدانه مانند دانشگاه و حوزه مورد بحث و بررسی قرار گیرد تا تفکرات اشاعره و اخباری - که از قضا ظاهرگرا و عوام‌فریب است - توانایی عرضه در اجتماع را پیدا نکند. در میان دانشگاهیان اهل سنت نیز چهره‌های فلسفی نیز وجود دارد که از حصار بنیادگرایی خود را رها کرده‌اند و گرایش به مکتب عقلانیت پیدا کرده‌اند. بایستی بحث‌ها و گفت‌وگوها وجود داشته باشد. اندکی سعه صدر می‌تواند مسائل را حل‌وفصل کند و نبایستی به واسطه اندیشیدن متفاوت به یک‌دیگر تهمت و برچسب انحرافی زد. اختلاف قرائت‌ها وجود دارد؛ چرا که هیچ‌کدام معصوم نیستیم و حق نقد برای همه محفوظ است.

**آینده بنیادگراهای اسلامی چه خواهد بود و چه سازوکاری برای کنترل بنیادگرایی و رادیکالیسم در جهان می‌توان تعریف کرد؟**

این حرکت‌ها راه به هیچ جایی نخواهندبرد ولی لطمه زیادی به وجهه اسلام و مسلمانان می‌زنند. در آینده پیش‌بینی می‌شود این گروه‌ها استحاله می‌شوند و به‌جای آن‌ها از نو گروه‌های جدید تندر و خشونت می‌گیرد. وظیفه مسلمانان حمایت از قرائت واقعی از اسلام است و گرنه همیشه در گرداب تندر و خشونت گرفتار خواهند ماند. دولت‌های اسلامی هم نباید برای مقابله با غرب از این گروه‌ها استفاده کنند یا به آن‌ها پسر و بال بدهند که بعدا مزاحم جدی خود آن‌ها خواهند بود.

امروزه دیگر بنیادگرایی اسلامی یک وجه و یک جریان ندارد. هر جریانی را باید جداگانه مورد بررسی قرار داد. گروه‌هایی هستند که عربستان سعودی را الگو قرار داده و فکر می‌کنند اگر با آمریکا رابطه خوبی برقرار کنند، می‌توانند در پرتو قدرت آن به نشر اندیشه‌های خود بپردازند. مثلا اخوان‌المسلمین یکی از این گروه‌هاست. آمریکا هم فکر می‌کند مهار اخوان را در دست دارد و می‌تواند از آن‌ها برای کنترل جریان‌های تندرو استفاده کند. القاعده هم زمانی همین برداشت را داشت ولی امروز استراتژی معارضه با غرب را در پیش گرفته است. اگر کسی فکر کند می‌تواند از یک گروه ایدئولوژیک استفاده کند سخت در اشتباه است. این گروه‌ها هر کار کنند در خدمت ایدئولوژی خود می‌کنند. در این میان گروه‌هایی هم مثل «بوکوحرام» در آفریقا هستند که هیچ رابطه‌ای با غرب ندارند.

**از نظر شما ریشه این تفاوت در مسئله امامت است. در میان اهل تسنن نیز گرایش به فلسفه و تفکر فلسفی نیز وجود داشته و مهم‌ترین آن‌ها گروه معتزله بوده است. چگونه این گرایش در میان اهل سنت ایجاد شده است؟**

پیشوایان شیعه پس از پیامبر و در راس آنان حضرت علی (ع)، بحث‌های سنگین فلسفی راجع‌به وجود خداوند را مطرح می‌کند که احتیاج به شرح و بسط‌های فلسفی دارد. در میان علمای اهل سنت نیز علمای متمایل به

فلسفه و تفکر و عقلانیت وجود داشته‌اند اما به سبب نبود منابع مناسب، مغلوب اکثریت ظاهرگرا قرار گرفتند. بزرگان اهل اعتزال با این که تفکرانی نزدیک به شیعه داشته‌اند، نتوانستند اصل امامت را پذیرا شوند. تفکر غالب در میان اهل سنت، تفکر

اشعری و ظاهری است. گروه‌های اعتزالی به‌سبب همین اقلیت و شرایط زمانه مغلوب واقع شدند. البته سخنان این گروه با وجود غلبه گرایش‌های اشعری در تاریخ ماندگار شده است. با بررسی تاریخ کلام اسلامی، این نکته به دست می‌آید که اکثر حکومت‌های اهل‌سنت، تمایل به مکتب اشاعره داشته‌اند لذا مجالی برای تفکرات معتزله باقی نگذاشتند.

**امروزه در ایران برخی افراد به دنبال تئوریزه کردن خشونت هستند و نمودهایی هم‌چون قتل‌های زنجیره‌ای وجود داشته است. آیا می‌توان قرابتی میان این قبیل گروه‌ها و بنیادگرایی اهل سنت یافت؟**

بایستی بحث خشونت‌گرایی را با یک زاویه جدید مورد بررسی قرار دهیم؛ چرا که از قضا در میان خشونت‌گرایان افرادی یافت می‌شوند که فیلسوف هستند اما برداشتی متفاوت از دین دارند و قرائتی افراط‌گونه از دین ارائه می‌دهند. قابل قبول است که این افراد به تفکر فلسفی باور دارند اما تمایل دارند که فهمی تنبیهی از دین ارائه

به‌طور مثال افرادی که شدیداً مخالف تعقل و فلسفه هستند؛ این چنین افراد نیز نزدیک به تفکرات بنیادگرایی اهل سنت‌اند اما توجه داشته باشیم که نباید دید آمدن گروه مذکور را به پای فرهنگ و فقه شیعه بنویسیم.

**اشاره کردید که گروه‌هایی افراطی در مذهب شیعه وجود دارند. برای گروه‌های فوق مثال بارز و مشخصی بیان کنید و عقاید این گروه‌ها را در مخالفت با عقل و فلسفه شرح دهید؟**

گروه‌های منتسب به مکتب تفکیک - که غالباً در خراسان رشد پیدا کردند - به‌شدت با عقل فلسفی و عرفان نظری مخالفت می‌کنند؛ به‌نوعی با تفسیرهای عرفانی آیات قرآن مخالف‌اند و این مخالفت آنان به این دلیل است که اگر فلسفه مورد تأیید اهل بیت بود، از سوی آنان مورد اشاره قرار می‌گرفت و خود آنان نیز وارد این قبیل مسائل می‌شدند؛ برای مثال می‌گویند از آن‌جا که در کلمات و سخنان اهل بیت، روایاتی پیدا کرده‌ایم که با فلسفه مخالفت کرده‌اند لذا نبایستی به سمت افکار فلسفی رفت. در حقیقت این قبیل استدلال‌ها همان تمایل به نفی عقل و عقلانیت است.

**به تمایز میان فقه شیعه و اهل تسنن اشاره کردید و مسئله توجه به عقل فلسفی را به عنوان بزرگ‌ترین تفاوت فقه شیعه و اهل سنت دانستید. این تفاوت چگونه به‌وجود آمد؟**

از نظر علمای شیعه، فقه شیعه منتسب به خود پیامبر و ائمه است و به‌نوعی از سرچشمه برآمده است. مسئله عقل و تعقل از خود قرآن آغاز شده و دستورات فراوانی به تعقل و تدبیر در قرآن است. در قرآن مسائل فلسفی فراوانی آمده است. بنده یک نظریه در فلسفه تحت عنوان اصالت ملکوت در

مقابل اصالت ماهیت و وجود مطرح کرده‌ام که از آیات قرآن برآمده است. معتقدم فلسفه در سنت پیامبر و اهل بیت نیز وجود دارد. اوج توجه به مباحث فلسفی و فکری در دوران امام باقر (ع) و امام صادق (ع) است. از آغاز اسلام توجه به عقل و عقلانیت وجود داشته و در فقه شیعه نیز این موضوع هویداست. البته در دوران مختلف تاریخ تشیع، برخی از فقها گرایش بیشتری به فلسفه داشتند و از سویی فقهایی نیز بوده‌اند که بیشتر اخباری بوده‌اند و به ظواهر شریعت اهمیت بیشتری می‌داده‌اند.

**بنیادگرایی اسلامی تا چه اندازه مولود غرب و اهداف غرب است؟ آیا رهبران بنیادگرایی برای رسیدن به مقاصد خود از هر ابزار بهره می‌جویند که ممکن است یکی از ابزار آن‌ها تعامل با قدرتهای خارجی برای سرکوب و اعمال خشونت باشد؟ چه پیوندی میان بنیادگرایی اسلامی و غرب می‌تواند وجود داشته باشد؟**



علیرضا میردیده  
کارشناسی اقتصاد ۹۵

**پیش‌مصاحبه:** بنیادگرایی اسلامی به عنوان یک ایدئولوژی، دارای مؤلفه‌ها، گزاره‌ها و بنیان‌های فکری-سیاسی خاصی است و تفسیری جدید و مغایر با قرائت مدرنیته از روابط میان انسان، خداوند و جامعه ارائه می‌دهد و مدعی است تنها همین آموزه می‌تواند سعادت دنیوی و اخروی بشر را تأمین کند. افرادی که «بنیادگرا» شناخته می‌شوند همه در یک سطح و دارای یک روش فکری نیستند. برخی از آن‌ها را تنها می‌توان در قالب «متحجّران» و «دگم‌اندیشان» رده‌بندی کرد که هیچ انعطافی را در دین بر نمی‌تابند. اما گروهی از آنان نیز اندیشورانی هستند که به هر دو عنصر «لزوم بازگشت به مبانی اصیل دینی» و «واقعیات تغییر یافته در طول زمان» توجه کرده و تلاش در هم‌خوانی میان آن‌ها دارند. برای آشنایی با بنیادگرایی در اسلام به صورت عام و در مذاهب آن به‌طور خاص، شناسایی ریشه‌های آن و وجوه تمایز بنیادگرایی در مذاهب مختلف اسلام، بر آن شدیم گفت‌وگویی با آیت‌الله محسن غرویان، استاد حوزه علمیه قم، داشته باشیم که مشروح آن را در ادامه مطالعه خواهید کرد.

**با بررسی رخدادهای گذشته، به این نکته دست می‌یابیم که بنیادگرایی بیشتر در میان اهل تسنن مشاهده شده است. آیا این مشاهدات بیانگر وجود نقص در فقه اهل سنت است؟**

مشکل اساسی که در فقه اهل سنت وجود دارد، ارزش و اعتبار قائل نشدن برای عقل به‌عنوان یک منبع فقهی است. فقه اهل سنت بیشتر بر پایه کتاب به معنای قرآن و سنت به معنای احادیث نبوی تکیه دارد و به عقل و منطق اهمیت نمی‌دهد. در وهله دوم، آنان سنت را تنها محدود به پیامبر می‌دانند و در احادیث نیز به اهل بیت و امامان شیعه مراجعه نمی‌کنند و صرفاً احادیث نبوی مورد وثوق را ملاک نظر قرار می‌دهند. البته قابل ذکر است که احادیث حضرت علی (ع) را تحت عنوان خلیفه چهارم معتبر می‌دانند.

مسئله بعدی، ظاهرگرایی فقه اهل تسنن است. در حقیقت فقهای اهل تسنن بیشتر به ظاهر احادیث و روایات توجه می‌کنند و اهل دقت‌های عقلی در معانی آیات و روایات نیستند. برای مثال از آن‌جا که در قرآن کریم آمده است: «بِذَلِكَ...» نتیجه می‌گیرند خداوند دست دارد. آنان چندان اهل تفسیرهای فلسفی آیات و روایات نیستند و به همین علت، فقه اهل سنت بسیار سنت‌گرا و به اصطلاح ظاهرگرا است. بر همین اساس در فقه سیاسی اهل‌سنت، عقل و استنباط‌های عقلی مورد توجه قرار نگرفته است. قرآن مهم‌ترین منبع روش‌شناختی و سنت مهم‌ترین مفسر این منبع و اجماع معتبرترین راه دست‌یابی به احکام غیرصریح اما مکتوب در قرآن و سنت است. در این دیدگاه اجماع و عمل و رای صحابه نه از باب مجتهدبودن آنان بلکه از این جهت که آنان در واقع آشنا به سنت هستند، حجیت دارد. بنابراین در اجماع نیز تعقل و استدلال عقلی صحابه مورد توجه قرار نمی‌گیرد؛ چراکه در این صورت عملاً اجماع غیرممکن یا بعید است. طرح قیاس در فقه سیاسی اهل سنت نیز نمی‌تواند به مفهوم توجه به عقل و روش عقلی در استنباط‌های فقهی باشد. مشخص است در چنین روشی، عقل به عنوان یک منبع مستقل در کنار منابع دیگر قرار نمی‌گیرد و در نتیجه طرح قیاس در فقه سیاسی اهل سنت نمی‌تواند زمینه‌های لازم برای به‌کارگیری عقل در استنباط‌های فقهی را به همراه آورد. در نتیجه می‌توان گفت فقه سیاسی اهل سنت به لحاظ روش‌شناختی اساساً گرایش به متون دارد و به لحاظ معرفت‌شناختی نقل را بر عقل مقدم می‌دارد.

**در میان شیعیان به‌ندرت گروه‌های بنیادگرا نظیر داعش و القاعده مشاهده می‌شود. آیا در فقه شیعه برای جلوگیری از پدید آمدن تفکرات بنیادگرایی، ابزار کنترل‌کننده‌ای وجود دارد؟**

بله. به نظر من، ابزار کنترل‌کننده فقه شیعه عقل و عقلانیت است. در مجموع از آن‌جا که فقهای شیعه به عقل و فلسفه اهمیت بسیاری می‌دهند، امکان رشد تفکرات سطحی و قشری در فقه شیعه وجود نداشته است. البته یک‌سری تفکرات افراطی و بسیار سنتی در شیعه بوده و هست که تقریباً مشابه تفکرات افراطی در اهل سنت است اما به سطح موارد مذکور نمی‌رسد.



## بررسی حادثه تروریستی چابهار در کمیسیون امنیت ملی



سخنگوی کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس از بررسی ابعاد حادثه تروریستی چابهار با حضور مسئولان دستگاه‌های مربوطه در جلسه این کمیسیون خبر داد.

به گزارش ایسنا، علی نجفی خوشرویی در توضیح جلسه امروز کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس گفت: در این نشست حادثه تروریستی حمله به ستاد فرماندهی نیروی انتظامی در چابهار با حضور نمایندگان و مسئولان دستگاه‌های ذیربط همچون وزارت کشور، وزارت اطلاعات، سپاه و نیروی انتظامی مورد بررسی قرار گرفت. به گفته وی در این نشست مسئولان مربوطه گزارشی از شرح ماجرا، اقدامات و طراحی‌های به عمل آمده بعد از حادثه ارائه کردند. نمایندگان کمیسیون نیز نقطه نظرات خود را برای مدیریت و مقابله با این گونه اقدامات تروریستی بیان نمودند.

## اشتراکات و افتراقات بنیادگرایی در منطقه خاورمیانه

۶. برای محافظت از خود در برابر غیر مرزهای فرهنگی، ایدئولوژیکی و اجتماعی محکمی پیرامون خود قرار می‌دهند. ۷. اندیشه و عمل آن‌ها بر پیروی محض از رهبر کاریزماتیک - که در عین حال مفسر متون کلاسیک مذهبی آن‌ها نیز هست - استوار است.

برای مثال القاعده در جایگاه یکی از پیش‌قراولان این جنبش در دهه‌های اخیر و داعش به‌عنوان نمونه‌ای فرارادیکال در دو سال اخیر، دارای زیربنایی به‌طور تقریبی مشابه در جهت نیل به استقرار دولت (خلافت) اسلامی مدنظر خود هستند.

به‌رغم وجود وجوه اشتراک اساسی در میان بنیادگرایان فعال در منطقه خاورمیانه، تفاوت‌های چشم‌گیری در عرصه‌های عملکردی و ایدئولوژیکی در میان گروه‌های بنیادگرا وجود دارد که آن‌ها را از یک‌دیگر متمایز می‌سازد. وجوه افتراق بنیادگرایان را به صورت چکیده‌وار می‌توان در چند محور اصلی مورد بررسی قرار داد؛ نخست این که، با توجه به این امر که بنیادگرایی دینی - اسلامی مهم‌ترین منبع هویت‌ساز در جوامع شبکه‌ای است، آن‌ها با رجوع به گذشته و تأکید بر معنایی انحصاری از دین اسلام می‌کوشند سلطه آن را در امور قضایی، اقتصادی و حکومتی بازگردانند. گروه‌های بنیادگرای متنوعی که از کشورهای خاورمیانه نزج و گسترش یافته‌اند، هر کدام بر معنای انحصاری خویش تأکید دارند. به‌عنوان مثال گروه‌هایی مانند داعش و جبهه‌النصره و جمعیت علمای اسلام (گروه فضل‌الرحمن)، جمعیت علمای اسلام (گروه سمیع‌الحق)، سپاه صحابه، لشکر جنگوی، و غیره با وجود برخورداری از ویژگی‌های

مشترک، هر یک بر هویت ویژه خود تأکید می‌کنند. اعضاء گروه‌های بنیادگرای اسلامی از یک سو بر هویت و معنای متمایز گروه خود اصرار دارند و از سوی دیگر، با طیفی از گروه‌های بنیادگرا مواجه‌اند که هویت و معنایی متفاوت با آن‌ها دارند. کثیر هویتی، معانی متعدد و عدم پذیرش تفاسیر متفاوت یک‌دیگر، ویژگی رایج گروه‌های بنیادگرا در عصر حاضر است.

نوع نگاه به غرب و تجدد، دومین مرجع اختلاف میان گروه‌های بنیادگرای منطقه است. به‌طوری که گروه‌هایی مانند طالبان پیرو خصومت شدید و تحریم و اعلام جنگ و جهاد فکری و نظامی علیه غرب بوده و گروه‌های دیگر اسلامی مانند اخوانی‌ها و حزب‌التحریر، با دید نقادانه به تمدن غربی نگریسته و ضمن رد جنبه‌های منفی آن، از پذیرش جنبه‌های مثبت آن استقبال می‌نمایند؛ افغانستان و گروه‌های بنیادگرایی هم‌چون طالبان، مثال بارز گروه نخست هستند. بنیادگرایان افراطی این کشور با داعیه‌ای دینی، خواستار تشکیل حکومت اسلامی بر پایه تفاسیر مذهبی خاص خویش‌اند. آن‌ها انرژی مبارزاتی خود را از پنداشت‌هایی هم‌چون تهدید یا نابودی دین و سنت پیامبر اسلام در عصر جدید می‌گیرند. از این منظر عمده ویژگی بینش طالبان، روح تعبدگرایی و قداست‌بخشی نسبت به دستاوردهای کلامی و فقهی پیشینیان می‌باشد. آن‌ها دوران صدر اسلام و میانه را دوره طلایی و مصون از هر نوع خطا تلقی نموده و راجع‌به تفاسیر و تأویل‌های دینی این دوره، اعتقاد جزم‌گرایانه دارند. اجتهاد و استنباط نوین در این مکتب جایگاهی

ندارد و مردم عموماً موظف به پیروی از کلمات و گفتار علمای سلف می‌باشند. برداشت تقلیدگرایانه آن‌ها از دین، سبب بدبینی و دشمنی آنان با زندگی غربی و عرفی‌شدن دین است. مخالفت با مفاسد فرهنگ و تمدن غربی در کل، یکی از شعارهای اساسی تمامی گروه‌های بنیادگرا است؛ اما آن‌چه بنیادگرایی افراطی از نوع طالبان را از سایر گروه‌های اسلامی جدا می‌سازد، نفی مطلق مدنیت غربی به وسیله آن‌هاست. مخالفت طالبان با تلویزیون، وسایل تصویربرداری، لباس فرنگی، سینما و امثال آن، نشانه آشکاری بر روحیه ستیزه‌جویی آنان با مظاهر تمدن غربی است.

سومین محور مورد اختلاف و تفاوت بنیادگرایان خاورمیانه را بایستی در استراتژی و راهکارهای سیاسی تحقق هدف جست‌وجو کرد. به‌طور کلی بنیادگرایان راهکارها و استراتژی‌های متفاوتی در اجرای برنامه‌ها و اهداف خود دنبال می‌کنند. گاه این تفاوت‌ها به اندازه‌ای است که حتی سبب رویارویی درون گروهی میان خود بنیادگرایان می‌گردد. برای مثال تفاوت‌های چشم‌گیر عملکردی و ایدئولوژیکی داعش با سایر گروه‌های بنیادگرا همانند القاعده، از آغاز عصری نوین از مبارزات بنیادگرایی در خاورمیانه و حتی فراتر از آن خرمی‌دهد؛ تأکید این گروه به ابزار خشونت لجام‌گسیخته، قدرت نظامی، راهبردهای (تاکتیک‌های) منظم و نوین جنگی و البته تأکید زیاد بر رسانه‌های اجتماعی و اینترنت سبب شده تا این گروه به‌سرعت پایگاه‌هایی سیاسی و اجتماعی قوی در میان جمعیت مسلمان کشورهای مختلف جهان و خاورمیانه برای خود ایجاد کند؛ درواقع، نگرش متفاوت داعش به مسائل دینی، سیاسی و فرهنگی، زمینه‌ای به‌وجود آورده که این گروه بتواند از سایر گروه‌های بنیادگرا پیشی بگیرد و در حقیقت به قوی‌ترین گروه بنیادگرا و درعین‌حال تروریستی جهان تبدیل شود.

در مجموع به نظر می‌رسد نزدیکی دیدگاه‌ها و اشتراکات فکری بنیادگرایان به‌ویژه در مسائل اولیه و زیربنایی و نقش ممتاز و منحصر به‌فرد دال اسلام در شکل‌بخشی و مفصل‌بندی عناصر گفتگمانی آن توانسته است بنیادگرایی اسلامی را به جریانی یک‌پارچه بدل سازد، بلکه کثیر سیاسی و نظری سبب شکل‌گیری جریانات بنیادگرای متعدد با معنایی ذهنی و استراتژی‌های متفاوت در منطقه گردیده است که هر یک کوشیده‌اند با تأکید بر وجوه افتراق برتری‌جویانه خویش به تک‌گفتار و به‌عبارتی تک‌گفتمان غالب در منطقه تبدیل شوند.



## تروریسم به مثابه پدیده‌ای اجتماعی

با عملیات انتحاری، راهی برای نشان دادن نابرابری‌های ساختاری بوده است. دریدا، اندیشمند پست مدرن نیز به نقش نابرابری‌های موجود در نظام نولیبرال اشاره دارد. دریدا و هابرماس به نابرابری‌های موجود در نظام جهانی و تبعات آن اشاره می‌کنند. تروریسم تنها به عصر مدرن محدود نمی‌شود. پدیده تروریسم در ایران تاریخچه‌ای طولانی دارد. ترور پادشاهان به قصد به قدرت رسیدن دیگران از اصلی‌ترین مصادیق تروریسم در پیشینه تاریخی ایران است. امروزه با فرآیند دموکراتیزاسیون، کشتن پادشاهان و به قدرت رسیدن افرادی جدید به آسانی میسر نیست. ساختار پیچیده نظام‌های سیاسی و دموکراسی هرچند نمایشی در آن، تغییرات را با دشواری‌هایی همراه ساخته که تروریسم مدرن در پی به چالش کشیدن آن است. تروریست، فردی است که دموکراسی موجود را برنتابیده و سعی در تغییر الگوی موجود دارد. او با عملیات انتحاری در پی آرمان‌هایی است که در ذهنش برساخته شده است. به نقل از وایت، آن‌چه که امروزه در تروریسم مدرن مطرح است، قربانی‌شدن عوام است. مردم عادی نیز قربانی تروریسم می‌شوند. تروریست‌هایی که در مجلس شورای اسلامی قصد کشتن نمایندگان را داشتند، در بستر تروریسم مدرن مردم عادی را نیز هدف قرار دادند. اگرچه در این خصوص روایت‌های متعددی مطرح است، اما واضح است که تروریسم مدرن مردم عادی را نیز مورد هدف قرار داده است. براساس گزارش موسسه اقتصاد و صلح، آمار حملات تروریستی در سال‌های ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۴، بیست مورد بوده است. این تعداد در سال‌های ۲۰۱۵ تا ۲۰۱۷ به ۶۱ مورد افزایش پیدا کرده است. با

این حال تعداد قربانیان در سال ۲۰۱۸ کاهش پیدا کرده است. نکته اساسی در جذب افراد در گروه‌های تروریستی، فهم جهان ذهنی تروریست‌ها می‌باشد. درواقع اعضاء گروه‌های تروریستی به‌دنبال اهداف آرمان‌گرایانه و جبران نابرابری‌های متحمل شده سعی در ساختن جهانی مطلوب و موردنظر از نگاه خود را دارند. تروریست‌ها در مواقعی در سوریه و عراق به‌شکل خانوادگی به عضویت گروه‌های تروریستی درآمده‌اند. وجود فسادهای گسترده و نظام نابرابر اقتصادی سبب جذب گسترده در سوریه شده است. اگرچه در ایران نیز مانند سایر کشورها ابعادی از نابرابری وجود دارد. اما دلیل اصلی عدم بروز فعالیت‌های تروریستی چند نکته حائز اهمیت است؛ نخست این‌که تشیع در ایران تا حدودی فراگیر بوده است. نکته دوم اما وجود شهرهای مهم در مراکز کشور است. حضور مستشاران در کشورهای تروریست محور نیز در خنثی‌سازی فعالیت‌های تروریستی بی‌تأثیر نبوده است. هم‌چنین مسافت شهرهای مرزی تا شهرهای مرکزی به‌قدری زیاد بوده که سبب خنثی‌سازی فعالیت‌های تروریستی شده است. مهم‌ترین دلیل گرایش افراد به عضویت در گروه‌های تروریستی، احساس نابرابری و فقر بوده است. پژوهش‌ها نشان می‌دهد که تروریست‌ها به‌منظور داشتن جهانی بهتر، به دنبال آرمان‌شهر خود بوده‌اند. به نقل از فیرحی، یکی از تبیین‌های موجود در خصوص تروریسم، مذهب بوده است. نظریه هانتینگتون در خصوص برخورد تمدن‌ها از این جنس است. به‌عنوان مثال تمدن اسلامی مورد حمله بوده است. تایلندی‌ها اساساً اقلیت‌های مسلمان در کشور خود را از

مزنونین اصلی فعالیت‌های تروریستی به شمار می‌آورند. تجارب موجود درخصوص تروریسم بسیاری از کشورها را به نقش مذهب در تروریسم سوق داده است. تبیین اجتماعی اما به ما می‌گوید که عموماً تروریست‌ها افراد ۲۰ ساله‌ای هستند که درخصوص عمل کشتن آموزش دیده‌اند. این آموزش‌ها به میزانی زیاد حرفه‌ای بوده است. این رهیافت به ما می‌گوید که افراد تروریست عموماً با جامعه خود پیوند عمیقی نداشته‌اند. باتوجه به طیف سنی تروریست‌ها، این نوع رهیافت نیز شکست‌خورده محسوب می‌گردد. گفتمان فلسفی نیز در پی تبیین تروریسم به‌وسیله گفتمان بوده است. گفتمان‌های موجود درخصوص جنگ، زمینه‌ساز فعالیت‌های تروریستی بوده است. فارغ از همه دیدگاه‌ها، تروریست‌ها افرادی هستند که اقدامات خود را عاقلانه ارزیابی می‌کنند. گروه‌های القاعده و حماس، اساساً عملیات خود را استراتژیک معرفی می‌کنند. تروریست‌ها حرکات خود را عاقلانه و حساب‌شده ارزیابی می‌کنند. در نهایت هریک از اقدامات تروریستی خود را کارآمد می‌دانند. در نهایت باید توجه داشت که فعالیت‌های تروریستی از منظر کشتگران، عملی منطقی بوده که دارای کارآمدی خاصی است. در پایان باید اشاره داشت که تروریست‌ها فعالیت‌های خود را با مقاصد سیاسی و به قصد به چالش کشیدن دموکراسی مدرنیزه انجام می‌دهند. تروریست‌ها در پی آرمان‌های خود، اهدافی را دنبال می‌کنند که در ذهنیت آن‌ها کارآمد، عقلانی و استراتژیک است. به‌طور کلی ویژگی‌های اصلی تروریست‌ها را می‌توان در بیکاری، فقر، علاقه به برهم‌زدن نظم موجود و نشان‌دادن اعتراض خلاصه کرد.



سارا اکبری  
دکتری علوم سیاسی ۹۶

تردیدی نیست در بسیاری از کشورهای منطقه خاورمیانه، پدیده بنیادگرایی اسلامی روبه رشد است. بنیادگرایی اسلامی یک‌پارچه (Monolithic) نیست و بر طبق شرایط مختلف در کشورهای گوناگون جلوه‌های گوناگونی دارد. درباره بنیادگرایی تعریف جامع و یک‌دستی وجود ندارد. بنیادگرایی به‌نحو سلیبی نه یک مانور سیاسی محض برای کسب قدرت از خلال توسل به احزاب اقلیت است و نه یک تاکتیک اقتصادی برای توزیع مجدد منابع در میان اقشار و طبقات ضعیف جامعه. علاوه بر این بنیادگرایی، استراتژی اعطای شخصیت اجتماعی به جمعیت‌های ناراضی نیز نیست. با این حال، بنیادگرایی خود را به عرصه عمومی متصل ساخته است و توجه خاصی به قدرت سیاسی، عدالت اقتصادی و منزلت اجتماعی دارد. نکته مهم این است که بنیادگرایی نیل به وضعیت مطلوب در همه عرصه‌های فوق‌الذکر را از طریق انگیزه‌های مذهبی افراد پی می‌گیرد. از این رو، افراد را به تشکل‌های ایدئولوژیک برای محافظت از منبع مشروعیت الهی تشویق می‌کند. هرچند بنیادگرایی اسلامی از لحاظ نظری (تئوریک) و سیاسی، جنبشی متحد نیست لیکن در سطح روبنا و زیربنا اشتراکات بسیاری میان انواع مختلف بنیادگرایی اسلامی وجود دارد؛ مانند «برتری توحید به‌مثابه بنیادی راهبردی، سیاسی، اساسی و حیاتی، تفوق شریعت، ضرورت استقرار دولت اسلامی و موضوع‌های مهم دیگر»؛ به دیگر سخن، همه گروه‌های بنیادگرا گروه‌هایی مذهبی هستند که مهم‌ترین وجوه اشتراک آن‌ها عبارت است از:

۱. در واکنش به بحرانی که تصور می‌کنند هویت گروهی آن‌ها را تهدید می‌کند ظاهر می‌شوند.
۲. خود را درگیر با مجموعه‌ای از دیگران شامل سکولاریست‌ها، نوگراها، ناسیونالیست‌های سکولار و نمادهای مدرنیستی و سکولاریستی - که توسط مدافعان این ارزش‌های ایجاد شده است - می‌بینند.
۳. همواره مترصد آن هستند تا به گونه‌ای خیالی دیگران را شیطانی جلوه دهند و از طریق نفی دیگران دشمن‌سازی‌های خیالی برای خود هویت کسب کنند.
۴. رویدادهای تاریخی را اغلب بخشی از یک الگوی بزرگ و رستاخیزشناسانه می‌دانند که در پرتو آن همه‌چیز در جهت هدف غایی مورد نظر آن‌ها سیر می‌کند.
۵. با تکیه بر اندیشه‌های جزمی و غیرقابل‌مناقشه خود، هرگونه خودآگاهی تاریخی را رد می‌کنند.



مرتضی دیاری  
کارشناسی ارشد علوم اجتماعی ۹۵

در ابتدا ضروری است با مفهوم تروریسم آشنا شویم. تروریسم به‌معنای خشونت است و به‌منظور دست‌یابی به هدف با نوعی خشونت، ارباب و وحشت همراه است. درواقع این پدیده به‌منظور اهداف سیاسی تعبیه می‌شود. حال این‌که تروریسم دارای وجوه مختلفی از ابعاد اجتماعی است. به‌صورت کلی توافقی میان صاحب‌نظران درخصوص تعریف واژه تروریسم وجود ندارد. به نقل از داوود فیرحی، پژوهشگر علوم سیاسی و اندیشه سیاسی اسلام، تعریف وزارت دفاع ایالات متحده در سال ۱۹۹۰ از تروریسم عبارت است از «کاربرد غیرقانونی یا تهدید به کاربرد زور یا خشونت بر ضد افراد یا اموال برای مجبور یا مرعوب ساختن حکومت‌ها یا جوامع که اغلب به قصد دست‌یابی به اهداف سیاسی، مذهبی یا ایدئولوژیک صورت می‌پذیرد». هابرماس با تیز جهانی شدن، بستری‌های نابرابری‌ساز را به‌وضوح تصویرسازی کرده‌است. نتایج پژوهش دانشگاه زوریخ نشان می‌دهد که اغلب افراد تروریست از خانواده‌هایی بوده‌اند که تحصیلات نداشته و اغلب این افراد بیکار بوده‌اند. روحیه آرمان‌گرایی و نیاز به نشان دادن اعتراض، به‌نوعی زمینه‌ساز بروز رفتارهای تروریستی بوده است. این پژوهش که در سال ۲۰۱۴ صورت گرفته است، نشان می‌دهد مهم‌ترین ویژگی مشترک افراد تروریست، بیکاری بوده است. افرادی که در پاکستان و سوریه به عضویت گروه‌های تروریستی درآمده‌اند، اغلب با بیکاری و فقر دست‌وپنجه نرم کرده‌اند. گویی رهایی از جهان



### ایران از اسکار ۲۰۱۹ حذف شد

آکادمی علوم و هنرهای سینمایی «اسکار»، فهرست کوتاه نامزدهای ۹ بخش بهترین فیلم غیرانگلیسی‌زبان، بهترین چهره‌پردازی، بهترین موسیقی متن، بهترین ترانه، بهترین مستند بلند، بهترین مستند کوتاه، بهترین فیلم کوتاه، بهترین انیمیشن کوتاه و بهترین جلوه‌های تصویری را در نود و یکمین دوره جوایز اسکار اعلام کرد و مشخص شد فیلم «بدون تاریخ بدون امضاء» از گردونه رقابت برای جایزه بهترین فیلم غیرانگلیسی‌زبان نود و یکمین دوره اسکار حذف شد. «بدون تاریخ، بدون امضاء» به کارگردانی وحید جلیلود -که به نمایندگی از ایران برای رقابت در این بخش معرفی شده بود- موفق نشد به فهرست نهایی راه پیدا کند. امسال ۸۷ کشور نمایندگان خود را برای رقابت در بخش فیلم خارجی‌زبان نود و یکمین دوره جوایز اسکار معرفی کردند.



مهدی ظریفیان دکتری زبان وادبیات فارسی ۹۶

مبنای این مقاله یک اصل ساده و بنیادین است؛ سینمای فرهادی سینمایی است قابل‌تأمل و تأثیر‌گذار. اما این دو صفت به معنای بی‌نقص بودن و همیشه در اوج بودن نیست، بلکه به‌نظر می‌رسد فیلم‌های فرهادی همه در یک تراز قرار ندارند؛ بعضی آثار در اوج هستند و بعضی در دامنه. برخی دلچسبند و برخی این‌گونه نیستند. بعضی شاهکارند و بعضی بسیار معمولی. جشنواره‌پسند نیز هستند و در محافل روشنفکری هم قابل بحث می‌باشند. اما پس از سه دهه فیلم‌سازی و به دست‌دادن کارنامه‌ای درخشان، با نگاهی به روند فیلم‌سازی او دو نکته آشکار به‌نظر می‌رسد؛ اول این‌که فیلم‌های او بر یک محور مشترک حرکت می‌کنند و مؤلفه‌هایی تکرارشونده دارند. دوم این‌که با دو دوره اوج و حضيض در کار او روبه‌رو هستیم . در دوره اوج «چهارشنبه‌سوری»، «درباره الی» و «جدایی نادر از سیمین» را داریم و در دوره دوم «گذشته»، «فروشنده» و «همه می‌دانند». در گفتار زیر در تبیین همین دو نکته برمی‌آیم، به مؤلفه‌های تکرارشونده سینمای فرهادی می‌پردازم و تصویری از صعود و فرود کارش را ارائه می‌دهم.

**انگاره‌های تکرارشونده**

ابتدا به بعضی مؤلفه‌هایی که فصل مشترک آثار فرهادی هستند، می‌پردازم:

۱- قهرمان‌های فرهادی متعلق به طبقه متوسط جامعه‌اند؛ مرفه نیستند اما دغدغه‌شان هم مادی نیست؛ یا حداقل مسئله مادی علت کنش‌های درون داستان نیست؛ مزده و مرتضی به بن‌یست عاطفی رسیده‌اند (چهارشنبه‌سوری)، سیمین ناراضی از وضع موجود قصد مهاجرت دارد و نادر وابسته به رابطه عاطفی با پدرش است (جدایی نادر از سیمین)، احمد و ماری و سمیر در برقراری یک رابطه گرم و پرشور عاطفی ناکامند (گذشته). حتی گره مرکزی در «همه می‌دانند» تپیه پول برای آدم‌ربایان نیست بلکه مسئله، شبکه پیچیده‌ای از روابط عاطفی است که در پس‌زمینه این ماجرای جنایی رو شده است.

به تعبیر دیگر، در فیلم‌های ایرانی فرهادی صدای طبقه متوسط جامعه به گوش می‌رسد که تحصیل کرده است، با گفتمان رسمی جامعه در تعارض قرار دارد، باور بسیار شخصی نسبت به مذهب، سیاست، اقتصاد مرکزی و فرهنگ رسمی و حکومتی دارد، می‌خواهد معنایی برای معمای زیستن پیدا کند و در حل این معما بسیار ناتوان است. به عبارت دیگر، مشکل

کاراکترهای فرهادی با کل نظام‌های فردی و اجتماعی است که آن‌ها را در بر گرفته است. این اشخاص آگاهانه یا ناآگاهانه در باب نسبت خود با محیط پیرامون فکر می‌کنند، می‌پرسند، پاسخ نمی‌گیرند و سرخورده می‌شوند. نکته مهم آن است که این‌ها گرچه ظاهراً درگیر داستان‌های عجیب و تصادف‌های غیرمعمول می‌شوند اما هرگز غیرواقعی، سمبلیک و انتزاعی به نظر نمی‌رسند.

۲- یکی از لذت‌های حلال در سینمای فرهادی جست‌وجو برای کشف نمادها، استعاره‌ها و کشف شبکه روابط میان این استعاره‌هاست. این بازی است که یک سر آن خود فرهادی ایستاده و در سر دیگر آن تماشاگر/منتقدانی که با کشف هر نماد کیفور می‌شوند و باور دارند که معمایی از معماهای پنهان اثر را کشف کرده‌اند. در ابتدای چهارشنبه‌سوری، چادر روحی دور چرخ موتور عبدالرضا می‌پیچد و دو جوان بر زمین می‌خورند یا در ابتدای فروشنده، ترکی بر دیوار اتاق خواب زوج جوان افتاده و شکافی میان جای خواب آن دو ایجاد کرده است. در ابتدای جدایی نادر زیر بار پول زور به متصدی پمپ بنزین نمی‌رود اما سیمین به‌راحتی به زورگویی کارگران بارکش تمکین می‌کند. نظام این استعاره‌ها و نمادها نظامی به‌سامان و همگون است. بیشتر آن‌ها از حد یک نشانه جزئی فراتر می‌رود و به عنصری معناساز بدل می‌شود. به‌طور خلاصه می‌توان گفت این نمادها فکرشده است و منظم و هندسی. برای مثال با کمی جست‌وجو عاملی واسط در آثار می‌یابیم که سخن نمی‌گویند، ناظرند و قابلیت تأویل دارند و به بسط معانی در نظام فیلم کمک می‌کنند؛ شب چهارشنبه آخر سال با سروصداها و تنش‌هایش (چهارشنبه‌سوری)، دریا که از یک سو بی‌رحم و قاتل است و از سوی دیگر شوینده و رهایی‌بخش (درباره الی)، پدر با آن نگاه معصوم و خردکننده‌اش (جدایی نادر از سیمین)، زمین که در رابطه اولیه پاکو و لائورا خشک و سترون است و در رابطه بعدی پاکو به زمینی بارور بدل می‌شود و اسباب نجات ایرنه را هم فراهم می‌کند (همه می‌دانند)، حضور خاموش و فاجعه‌بار زن بدنام که دیده نمی‌شود اما حضور اوست که همه حادثه‌های تلخ را سبب می‌شود و در عین حال همه باور می‌کنیم او معصومی است که قربانی فضای دهشتناک جامعه‌اش شده است (فروشنده).

۳- اصطلاح پایان باز اصطلاحی است که به تکرار و اسراف درباره سینمای فرهادی به کار می‌برند و گویا آن را مهم‌ترین و کلیدی‌ترین مفهوم در سینمای او می‌دانند. پایان باز در این‌جا یک معنای مشخص

دارد:«بسته نشدن پایان قصه، معین نشدن تکلیف حوادث و باز بودن باب تأویل در سرانجام قهرمانان». اما به جز جدایی نادر از سیمین -که این گزاره درباره آن کاملاً صادق است- در کدام اثر دیگر فرهادی ما با پایان باز روبه‌رو هستیم؟ در درباره الی، گذشته، چهارشنبه‌سوری و همه می‌دانند، قهرمان‌ها به جای اول خود بازمی‌گردند و همه ماجراها به پایان‌بندی فیلم ختم می‌شود. آن‌ها از مسیری از آزمون و ابتلاء گذشته‌اند و حالا با امر وحشتناک‌تری روبه‌رویند؛ خودآگاهی. آن‌ها از پس این قصه، با من جدید خودشان روبه‌رو شده‌اند و باید آن را بپذیرند. به‌نظر می‌رسد اگر قرار باشد یک عامل شاخص در پایان‌بندی فرهادی مدنظر قرار گیرد، همین عامل خودآگاهی است؛ خودآگاهی ترسناکی که هیچ درمانی ندارد. با این نگاه، فیلم‌های فرهادی فیلم‌هایی بسیار ساده هستند، قصه‌هایی از اتفاقات روزمره که در زندگی هر کسی ممکن است اتفاق بیافتد اما نتیجهٔ آن بسیار خطرناک است. گویا ما با غفلت‌هایمان زنده‌ایم و هر کدام به‌نوعی می‌خواهیم از آگاهی بگریزیم. اما همیشه این گریز موفقیت‌آمیز نیست.

۴- گره‌های ناگشوده: آیا واقعا پیرمرد به رعنا تجاوز کرده است؟ (فروشنده)، آیا ایرنه واقعا دختر پاکو است؟ (همه می‌دانند) آیا واقعا فرزند راضیه در اثر هل دادن نادر مرده یا از قبل و بر اثر تصادف راضیه سقط شده است؟(جدایی نادر از سیمین) آیا الی در آمدن به سفر شمال و دروغ گفتن به نامزدش مقصر نیست؟ (درباره الی) این پرسش‌ها و نظایر آن، پرسش‌هایی کلیدی هستند که نقطه عزیمت قصه‌های فرهادی به‌شمار می‌روند. فرهادی اصرار دارد که گره‌های ناگشوده‌ای در داستانش تعبیه کند تا ماهیتی چندوجهی به داستانش ببخشد. قاعدتاً او سیاه یا سفید به حوادث نگاه نمی‌کند. پیرمرد فیلم فروشنده با چاشنی‌ای از صداقت و تحقیر اعتراف می‌کند که «وسوسه» شده است. آیا ما حق داریم قضاوت اخلاقی در باب چنین حادثه‌ای -که هر روز برای خود ما ممکن است اتفاق بیافتد- داشته باشیم؟ بچه‌های گروه در فیلم درباره الی وقتی با فاجعه روبه‌رو می‌شوند تازه می‌فهمند که از یک پرسش بسیار ساده غفلت کرده‌اند: «نام واقعی الی چه بود؟» حالا باید چه پاسخی به پلیس بدهند؟ تازه این سوال مقدمه سوال بزرگ‌تر است: آیا آوردن این دختر به شمال اخلاقی بوده است یا خیر؟ اما صداقت و خوش‌نیتی سپیده که بانئ این سفر شده است قابل کتمان نیست. این‌جا چه کسی را باید سرزنش کرد؟ قانون چه نقشی در این ماجرای به ظاهر ساده دارد و

## مراسمی برای یک سقراط ، بدون پرسش !

نگاهی به نمایش «مراسمی برای یک دوست»

جام شوکران را به سوی جاودانگی سر کشد. متون نمایشی و ادبی متعددی در طول تاریخ از این محل استفاده کرده‌اند، اما در این میان آن‌هایی موفق‌تر بوده‌اند که گامی فراتر از موضوع «عامل ناسازگار در محاصره عوامل پیرامونی متضاد» گذاشته‌اند. عدم وجود اتفاقات ثانویه، پیش‌بینی راحت سیر بخش‌های روایت و همین‌طور پیش‌بینی راحت مسیر داستان از پتانسیل‌های نمایشنامه خانم مرادی جعفری به‌شدت کاسته است. به باور آنگرداس گریماس، معناشناس و زبان‌شناس ساختارگرای فرانسوی، پیشروندگی پلات حرکت از گره به گره‌گشایی، تضاد به سکون، جدایی به اتحاد و… در گرو انتقال مفهومی (کیفیت یا شیء) از عملگر (actant) اولیه به عملگر ثانویه است. در متن نمایشنامه «مراسمی برای یک دوست» به‌سختی فقط دو عملگر از عملگرهای شش‌گانه گریماس یافت می‌شود. در این داستان نهاد قانون در جامه عملگر ارسال‌کننده (Sender)، ویلیام کلبی به عنوان عملگر دریافت‌کننده (Receiver) تعامل می‌کنند که این تعامل در نهایت منجر به دریافت موضوع عدالت توسط ویلیام کلبی می‌شود. در تمام طول داستان و روایت فقط شاهد همین دوگانه‌ایم. نخستین دوئت بین باغبان و کلبی پیشگوی (foreshadow) تمام اتفاقات تا پایان نمایش است؛ قهرمان کاملاً بی‌گناه، مظلوم و سفید قصه ما از یکایک تیپ‌های کاملاً متظاهر و

چه موضعی باید بگیرد؟ آیا اخلاقی است که دختری را که به‌راحتی می‌توان متهم دانست، بدنام کرد؟ این وجه بارز، دل‌پذیر و شورانگیز سینمای فرهادی است. اگر در قصه‌های او نقطهٔ قوتی هست همین نکته‌های مبهم و خردکننده‌ای است که باید آن را وجه تمایز درام‌های فرهادی با همه نمونه‌های مشابه آن دانست. گره‌هایی که اگرچه بسیار مهم هستند اما به‌دقتی مینیاتوری در دل داستان تنیده شده‌اند تا ذهن مخاطب را به‌خوبی درگیر کنند.

**خاص‌پسند، شیک و مجلسی:**

سینمای فرهادی انگیزاننده‌ترین جریان سینمایی جدی در دو دهه اخیر سینمای ایران بوده است. هیچ فیلمسازی در اثر‌گذاری و ایجاد موج به او نمی‌رسد. امروز سیاهه آثاری که به تقلید صرف از فیلم‌های او پرداخته‌اند، از انگستان دو دست فراتر رفته است (ملبورن، آدت می‌کنیم، برف روی کاج‌ها، سعادت آباد و …). مشکل این‌جاست که این فیلم‌های کپی‌شده غالباً فاقد خلاقیت، سرد و سطحی هستند. با وجود این، باز هم مخاطبان خود را دارند. چرا؟ چون امروز برندی به نام اصغر فرهادی داریم که حرکت بی‌واسطه در دنباله او، به معنی ساختن فیلمی است که حداقل بخشی از منتقدین و تماشاگران را راضی خواهد کرد. (به زبان ساده‌تر، با آن می‌توان ادعای روشنفکری کرد). این موج اثرگذار آن‌قدر قدرت داشته تا بعضی از بازیگران او را هم به برند تبدیل کند. (ترانه علیدوستی، بابک کریمی، پیمان معادی و حتی ساره بیات)، هم‌چنین تجربه‌هایی جسورانه از بعضی اصول تکنیکی سینما مثل جامپ‌کات (برشی بین دو نما که غیر منتظره و پرشی به نظر آید) و دوربین روی دست در سینمای یاران به جا بگذارد.

**اصغر فرهادی اول و اصغر فرهادی ثانی**

در نهایت باید عنوان کرد تنها سه فیلم نخست او عمیق هستند و سایر فیلم‌هایش گاهی مانند عقبه ناموفقش، سرد و کسل‌کننده می‌شود و به قول آن منتقد معروف: «درنمی‌آید». سه فیلم آخر فرهادی (گذشته، فروشنده و همه می‌دانند) اصلاً به قلمرو پر رمز و راز سه فیلم نخست وارد نمی‌شوند. پرسش‌های اخلاقی هول‌آور در فیلم‌های اول به گزاره‌هایی رو و خنک بدل می‌شوند که می‌توان با آن‌ها یک فیلم تلویزیونی در باب اخلاق ساخت. برای مثال، در سه فیلم اول هرگز لازم نیست قهرمان‌های قصه پاسخ صریح به پرسش‌های اخلاقی موجود بدهند. اما در فروشنده به صراحت موضع‌گیری قهرمان را می‌شنویم که متأسفانه به پیمان نهایی فیلم هم تبدیل می‌شود: «آدم‌ها به‌تدریج گاو می‌شوند».



بابک علایی کارشناسی ارشد زبان شناسی ۹۷

تأثر «مراسمی برای یک دوست» که این روزها بر صحنه تماشاخانه پردیس مستقل تأثر در حال اجراست، به روایت معمولی داستان روزهای آخر زندگی شخصی به نام ویلیام کلبی، ناسازگاری وی با قوانین شهر محل زندگی‌اش و مجازات نهایی او می‌پردازد. این نمایش توانسته با موفقیت به وظایف خود در هیأت یک تمثیل یک به یکی به تقیض‌سرایی حول محور جهان پیرامونی‌اش بپردازد و تماشاگری که به فکر کردن وادار شده را راضی و با لبخندی بر لب به بیرون از سالن نمایش بدرقه کند. تصاویر و قاب‌های به‌دقت طراحی‌شده، بازی‌های مدیریت‌شده‌ای که معمولاً از قالب مطلوب سبک اثر بیرون نمی‌زدند، نبود حواشی بی‌هدف و به‌طور کلی عناصری که تقریباً همه در خدمت هدف کلی نمایش بودند، تجربه‌ای دوست‌داشتنی را برای طیف وسیعی از مخاطبین رقم می‌زد. کلبی به عنوان شهروندی که نمی‌تواند در چهارچوب قوانین «این شهر» رفتار کند، در تلاش برای زندگی مطابق با مبادی و اصول اخلاقی شخصی‌اش، گاه و بی‌گاه «از حد می‌گذراند». این در حالی است که بقیه اعضای این جامعه متظاهر خود نیز دستی بر آتش از حد گذراندن دارند و چون به خلوت می‌روند آن کار





## تعليق بزرگترین قرارداد آب شیرین کن ایران به خاطر تحریم‌های آمریکا

شرکت Hyflux اعلام کرد که مجبور است قرارداد شیرین‌سازی آب دریای عمان جهت انتقال به سه شرکت بزرگ معدنی گل‌گهر، سرچشمه چادرملو را به دلیل تحریم‌های آمریکا و نبود امکان تامین مالی از طریق شبکه بانکی بین‌المللی متوقف کند. این پروژه، یکی از حیاتی‌ترین و بزرگترین پروژه زیرساخت در حوزه آب کشور است که اگر به موقع اجرایی نشود، احتمال این که امنیت ملی کشور را نیز به چالش بکشاند، دور از ذهن به نظر نمی‌رسد. لازم به ذکر است مرکز شرکت Hyflux در سنگاپور است.



## بنزین ناعادل



و باتوجه به دام نقدینگی که در حال حاضر ایران با آن دست و پنجه نرم می‌کند، روش مناسبی به نظر نمی‌رسد. راهکار سوم، آزادسازی قیمت‌ها، به‌طور قطع بهترین روش برای اقتصاد در بلندمدت است. نظم خودانگیخته بازار می‌تواند بهترین توزیع را در سطح کشور موجب گردد. در عین این‌که عوارض جانبی کم‌تری برای کشور خواهد داشت. اما در کوتاه‌مدت به‌طور قطع آسیب‌هایی به اقشار کم‌درآمد جامعه به‌علت افزایش سطح قیمت‌های عمومی و افزایش قیمت حمل‌ونقل تحمیل خواهد شد که طبیعتاً باعث افزایش ناراضیاتی در سطح جامعه خواهد شد. علاوه بر این، لازمه آزادسازی نرخ بنزین، آزادسازی نرخ ارز و محدودیت‌های واردات و صادرات بنزین است یا به عبارت دیگر حرکت کلی اقتصاد به سمت بازار آزاد. اعتقاد نگارنده بر این است که اقتصاد ایران باتوجه به بحران‌های متعدد در بخش‌های مختلف خود، راه نجاتی جز حرکت به سمت بازار آزاد نخواهد داشت. هرچند که شاید روش‌های سهمیه‌بندی و امثال آن در نظر دولت و عامه مردم مناسب‌تر و محبوب‌تر به نظر برسند، آثار جانبی آن‌ها در بلندمدت آسیب‌های بسیاری را بر پیکره اقتصاد ایران وارد می‌کند که جبران آن‌ها هزینه‌های بسیاری از آیندگان می‌طلبد و البته اشاره به آن هم در حوصله این مطلب نمی‌گنجد و هم بارها توسط بزرگان اقتصاد ایران و جهان گوشزد شده است. امید است سیاست‌مداران ایرانی با اتخاذ سیاست‌های مناسب در این مسیر، برای بهبود وضعیت کشور قدمی بردارند.

آن، وضعیت محیط زیستی فعلی پیش خواهد آمد. حال شاید بهترین فرصت برای پرداختن به این سوال است که راهکار فعلی برای بهبود وضعیت توزیع سوخت در کشور چیست؟ در ماه‌های اخیر، با افزایش صحبت‌ها در مورد افزایش قیمت بنزین، اقتصاددانان سه راه‌حل را برای پایان این بحران پیشنهاد دادند: سهمیه‌بندی، تشکیل بازار برای فروش سهمیه و آزادسازی قیمت‌ها. راه‌حل اول، سهمیه‌بندی، به‌طور قطع ساده‌ترین و در دسترس‌ترین انتخاب برای دولت در شرایط فعلی خواهد بود. بازگشت دوباره کارت‌های سوخت و بنزین دوزخی با سهمیه‌های متعدد برای اقشار مختلف به‌سبب سابقه تاریخی به‌نظر مطلوب‌ترین روش دولت برای کنترل قاچاق بنزین و افزایش قیمت آن است. اما این عمل به‌طور قطع تأثیراتی ازجمله تشکیل بازار سیاه خرید و فروش سهمیه و حل نشدن مشکل توزیع عادلانه، برخلاف بهبود وضعیت آن خواهد داشت. دولت در حال حاضر این راه‌حل را برای بهبود این وضعیت برگزیده است. علاوه بر این، مهم‌ترین مسئله در روش سهمیه‌بندی، مکانیسم قیمت‌گذاری خواهد بود که باید به آن توجه ویژه‌ای شود. راهکار دوم، ارائه سهمیه سرانه از طریق کارت‌های ملی و روش‌هایی مانند آن و پس از آن تشکیل بازار برای مردم جهت خرید یا فروش سهمیه خود است. این روش که بی‌شباهت به توزیع یارانه نقدی در دولت نهم و دهم نیست، به‌طور قطع نتیجه‌ای جز افزایش نقدینگی در کشور نخواهد داشت.

قیمت حمل‌ونقل عمومی در سطح کشور است که قطعاً مسئله خوشایندی هم برای دولت به‌سبب افزایش محبوبیت اجتماعی و هم برای مردم به‌سبب کاهش هزینه حمل‌ونقل و افزایش سطح رفاه خواهد بود. اما اثراتی که مورد غفلت اقتصاددانان دسته اول در این حوزه قرار گرفته، هزینه‌های بسیاری را بر جامعه تحمیل کرده است. مهم‌ترین این آسیب‌ها را می‌توان قاچاق بنزین عنوان کرد. در حال حاضر طبق گزارش خبرگزاری‌های داخلی روزانه بین ۲۰ تا ۳۵ میلیون لیتر بنزین از مرزهای کشور قاچاق می‌شود. میزان قاچاق بنزین و گازوئیل در ایران به حدی رسیده است که ممکن است دولت را دوباره به واردات بنزین وادار نماید. این پدیده می‌تواند باتوجه به وضعیت تحریم‌های آمریکا علیه ایران، اهرم فشار دیگری را در اختیار آمریکا برای فشار بیش از پیش بر ایران قرار دهد. از طرف دیگر وضعیت محیط زیستی ایران در سالیان اخیر به‌شدت تحت تأثیر مصرف سوخت قرار گرفته است. مردمی که در کلان‌شهرها زندگی می‌کنند، از وضعیت‌های ناسالم و بحرانی آلاینده‌های موجود در هوا به‌شدت رنج می‌برند. پر واضح است که یکی از دلایل اصلی آلودگی هوا از طریق سوخت‌های فسیلی، استفاده بیش از اندازه مردم از این سوخت‌هاست که با ارشاد یا فرهنگ‌سازی جامعه به‌طور کامل قابل حل نیست. مادامی‌که مردم سوار شدن در خودرو تک‌سرنشین را به‌صرفه‌تر از استفاده از حمل‌ونقل عمومی بدانند، قطعاً میل به استفاده از خودروهای شخصی تک‌سرنشین بسیار بیشتر خواهد شد و به‌تبع

علی عبادتیان  
کارشناسی اقتصاد ۹۴



کشور ایران با قیمت‌گذاری رسمی دولت برای بنزین، هر لیتر ۷ سنت آمریکا، پس از ونزوئلا کم‌ترین قیمت بنزین در جهان را دارد. با توجه به قیمت تولید بنزین توسط ایران، در حال حاضر دولت سالانه ۶۰ هزار میلیارد تومان یارانه به بنزین اختصاص می‌دهد. هر ساله با مطرح‌شدن لایحه بودجه، صحبت بر سر قیمت بنزین در سال آتی مطرح می‌شود که مخالفان و موافقان بسیاری را به صحبت در این مورد وامی‌دارد. دولت در ایران پیش از انقلاب اسلامی ۵۷، به جهت مصالح سیاسی (نظیر اشتغال و محبوبیت سیاسی) و به بهانه رفاه عمومی همواره به کنترل قیمت حامل‌های انرژی از جمله بنزین پرداخته است. اما سوالات بسیاری در این مورد همواره مطرح می‌گردد که آیا یارانه سراسری بنزین، راهکاری عادلانه جهت توزیع رفاه در کشور است؟ آثار این سیاست اقتصادی قدیمی و محبوب سیاست‌مداران ایران چیست؟

ابتدا از منظر عدالت به مسئله فوق می‌نگریم. این مهم، جزئی از بدیهیات حوزه انرژی و رفاه عمومی به شمار می‌رود. در حال حاضر ۴۰ درصد مردم ایران، عموماً از قشر کم‌درآمد جامعه، وسیله نقلیه شخصی ندارند. طبیعتاً در طرف دیگر جامعه، با افراد پردرآمد با وسایل نقلیه شخصی متعدد روبه‌رو هستیم. حال اگر به صورت مسئله بازگردیم به‌سادگی با این واقعیت مواجه می‌شویم که افراد پردرآمد اجتماع بیش از تمام افراد جامعه از این یارانه بهره‌مند می‌شوند (به ازای هر لیتر ۳۸ سنت). طبق گزارش‌ها سه دهک پردرآمد جامعه بیش از نیمی از بنزین موجود در کشور را مصرف می‌کنند. بدیهی است در چنین شرایطی شیوه توزیع فعلی یارانه بنزین در کشور، در حقیقت ناعادلانه‌ترین سیستم موجود است.

فردریک باستیا، اقتصاددان کلاسیک فرانسوی، در رساله معروف خود به نام «آن‌چه دیده می‌شود و آن‌چه دیده نمی‌شود» اقتصاددانان را به دو دسته تقسیم می‌کند: عده‌ای که آثار آنی و لحظه‌ای تصمیم‌گیری‌های اقتصادی را می‌بینند و عده‌ای آثاری را که پس از تأثیر اولیه به‌وقوع می‌پیوندد متذکر می‌شوند. باستیا دسته اول را اقتصاددانانی می‌داند که آسیب‌های بسیاری را به جامعه وارد می‌سازند. آن‌چه از وضعیت فعلی اقتصاد ایران برمی‌آید، نشان از وفور اقتصاددانان نوع اول در بدنه تصمیم‌ساز دولتی دارد. نخستین و آبی‌ترین اثر سیاست فعلی یارانه بنزین در ایران، افزایش قدرت استفاده مردم از بنزین و کنترل

## فضای مجازی؛ تکرار سیاست‌های شکست خورده

به رقابت با نمونه‌های خارجی خویش نیستند و هنوز هم انتظار حمایت‌های بیشتر از سمت دولت را دارند. اعطای دوباره کمک‌های مختلف مادی و معنوی به این پیام‌رسان‌ها بایستی با توجه به عملکرد گذشته آن‌ها صورت گیرد نه آن که با استفاده از ارائه و تصویب قوانین دست‌وپاگیر و سلبی زمینه انحصار را برای این پیام‌رسان‌ها فراهم کرد.

در انتها بایستی یادآور شد که ساماندهی فضای مجازی نبایستی به‌وسیله اعمال مجازات و قوانین محدودکننده -که باعث سلب آزادی و حق انتخاب افراد می‌شود- صورت گیرد و به عبارت دیگر نباید از طریق اعمال این دست از قوانین محدودکننده صورت مسئله پاک شود و یا این‌که به بهانه حمایت از پیام‌رسان‌های داخلی زمینه انحصار و بستن فضای رقابتی که نتیجه آن باز هم تحمیل نظر و گرفتن حق انتخاب از افراد است به‌وجود آید. ساماندهی فضای مجازی بایستی در ابتدا از طریق آموزش صورت گیرد، در این زمینه نقش نهادی هم‌چون وزارت آموزش‌وپرورش بسیار پررنگ است و به‌جای هدر دادن سرمایه‌ها در حمایت بی‌چون و چرا و غیرعقلانی از برخی پیام‌رسان‌های داخلی و ارائه طرح‌هایی قرون وسطایی، باید از از طریق معلمان، مربیان آموزشی، اساتید دانشگاهی و سایر پتانسیل‌هایی که در نهادهای آموزشی کشور وجود دارد استفاده کرد و با تصویب قوانین حمایتی به تقویت و پشتیبانی از آن‌ها پرداخت.

برانگیز شده است؛ چرا که این هیات وظیفه بررسی و صدور مجوز برای کاربران در پیام‌رسان‌ها را دارد. حال حضور نمایندگان پیام‌رسان‌هایی که هنوز مجوز فعالیت کسب نکردند و هم‌چنین در شرایطی که پیام‌رسان‌های خارجی هم باید برای فعالیت مجوز اخذ کنند، شائبه برخورد‌های سلیقه‌ای برای تحقق منافع شخصی و گروهی در روند صدور و اعطای مجوز را به‌وجود آورده است. البته با توجه به مقدمه این طرح و هم‌چنین فصل سوم آن که شامل ۱۱ ماده می‌شود و به‌صراحت به حمایت از پیام‌رسان‌های داخلی اشاره می‌کند بایستی انتظار چنین هیاتی را از پیش داشت. اما مسئله اصلی آن است که از این طریق راه برای انحصارگرایی در حوزه پیام‌رسان‌های داخلی به‌وجود می‌آید و این موضوعی است که دقیقاً مدیران پیام‌رسان‌های داخلی زمانی که استفاده از تلگرام و اینستاگرام بدون هیچ محدودیتی مقدور بود، نسبت به آن بسیار حساس بودند و ابراز نگرانی می‌کردند. هرچند در خصوص این‌که آیا فعالیت این شبکه‌ها در کشور انحصار ایجاد کرده یا خیر نظرات متفاوت بسیاری وجود دارد اما باید گفت که این طرح زمینه ایجاد انحصار را قطعاً برای پیام‌رسان‌های داخلی به‌وجود خواهد آورد. نکته قابل توجه دیگر در این مورد آن است که در گذشته نیز حمایت‌های گسترده‌ای از این پیام‌رسان‌ها صورت گرفته اما اکنون شاهد آن هستیم که هیچ کدام از این پیام‌رسان‌ها قادر

جزئیات دارای اشکالات زیادی است که البته این موارد را به کمیسیون فرهنگی اطلاع داده‌ام.

آن‌طور که به‌نظر می‌رسد طرح «ساماندهی فضای مجازی» با ابهامات مختلف و متعددی روبه‌رو است؛ از جمله می‌توان به مجازات‌های پیش‌بینی‌شده برای متخلفین اشاره کرد؛ برای مثال در صورتی که نتوان مجوز لازم را از هیات نظارت پیش‌بینی‌شده اخذ کرد و اقدام به تشکیل گروه ساده در پیام‌رسان اجتماعی نمود، مجازات حبس و جزای نقدی در نظر گرفته شده است. در واقع ارائه چنین طرح‌ها و قوانینی که ماهیت سلبی، امنیتی و مجازات‌های سنگینی را برای اموری که بعضاً شامل حوزه خصوصی افراد می‌شود داراست، نتیجه‌ای جز شکل گرفتن قوانین متروکه نخواهد داشت و از سوی دیگر باعث از بین رفتن اعتماد میان قانونگذار، مجری قانون و مردم خواهد شد که دقیقاً خلاف یکی از اهداف پیش‌بینی‌شده در این طرح می‌باشد. تجربه قوانینی از این دست همانند ممنوعیت ماهواره، ممنوعیت ویدئو و فیلترینگ پیام‌رسان‌هایی هم‌چون تلگرام و توئیتر که مورد استفاده مسئولین کشور و خود قانونگذاران می‌باشد، گواهی بر این مدعاست.

هم‌چنین ترکیب هیات نظارت تعریف‌شده برای بررسی محتوا و فعالیت کاربران در پیام‌رسان‌ها اعم از داخلی و خارجی که شامل نماینده یا به عبارت بهتر، نمایندگان از جانب پیام‌رسان‌های داخلی می‌باشد نیز بسیار بحث

حسین مهدویان  
کارشناسی مهندسی مکانیک ۹۶



پس از گذشت تقریباً یک‌سال از فیلترینگ پیام‌رسان تلگرام، اخیراً با امضای ۹۵ نفر از نمایندگان مجلس شورای اسلامی طرحی به هیأت‌رئیس مجلس ارائه شد که در صورت تصویب آن کاربران پیام‌رسان‌های اجتماعی بیش از پیش و این‌بار با پشتوانه قانونی تحت نظارت و کنترل نهادهای امنیتی و نظارتی قرار می‌گیرند. هرچند طی این مدت بارها و از سوی کارشناسان مختلف و حتی وزیر ارتباطات شکست فیلترینگ تلگرام اعلام شده اما ارائه این طرح توسط نمایندگان مجلس مهر دیگری بر تأیید شکست پروژه فیلترینگ تلگرام است.

حمایت تعدادی از نمایندگان لیست امید از این طرح نیز باعث شگفتی افکار عمومی شد که به امید تغییر، اصلاح و از میان رفتن چنین طرح‌ها و روش‌هایی در انتخابات سال ۱۳۹۴ به لیست امید رای دادند. تعدادی از این نمایندگان در مصاحبه‌های صورت‌گرفته اعلام کردند که صرفاً با کلیات طرح موافقت و به برخی از جزئیات طرح همانند مجازات‌های پیش‌بینی‌شده برای متخلفین‌اشکالاتی را وارد می‌دانند. در این خصوص حمیده زرآبادی، نماینده مردم قزوین، در گفت‌وگو با روزنامه ایران اظهار داشت: «من طرح «ساماندهی پیام‌رسان‌های اجتماعی» را امضا کردم ولی فقط با کلیات آن موافق هستم؛ چرا که این طرح در



# ادبی

**محمّدبیانی**
دکتری ادبیات و زبان فارسی ۹۶

محمّدبیانی

در شماره قبل به نحوه آفرینش ایزدان و دیوان پرداخته شد. در این شماره نیز هم‌چنان به معرفی ایزدان می‌پردازم. مهر: نام مهر در هفتمین ماه سال و شانزدهمین روز ماه در تقویم ایران باستان وجود دارد که جشن مهرگان در همین روز، یعنی شانزدهم مهرماه برگزار می‌گردد. نامیدن شانزدهمین روز ماه به نام مهر به تعبیری به این دلیل است که نظارت نیمه دوم ما بر عهده او گذاشته شود. همان‌طور که نام مهر بر هفتمین ماه سال نیز حاکی از این است که نظارت بر نیمه دوم سال از وظایف اوست. دیرینگی پرستش مهر به ۱۳۵۰ پیش از میلاد باز می‌گردد. با سقوط هخامنشیان در سال ۳۳۱ ق.م آیین میترا به آسیای صغیر منتقل شد و به صورت آیین سرّی در آمد. این‌که بعدها معابد مهری تقریباً همگی به صورت غار یا در اعماق زمین بنا شد (مهرابه) شاید به همین دلیل باشد. بنابر روایتی سربازان رومی آیین مهر را به رُم بردند و به آن گرویدند. مثلاً کودوموس امپراتور رُم برای خوش‌آمد سربازان خود، از مهرپرستی حمایت کرد و خود به این آیین گروید. در سده سوم میلادی تنها در رُم –که یک میلیون جمعیت داشت– پنجاه معبد میتربی شناخته شده است. آیین مهری بعدها مغلوب مسیحیت شد و از سال ۴۰۰ میلادی به کلی از رونق افتاد، اما تأثیر آن بر آموزه‌ها و باورهای مسیحی انکارناپذیر است. کافی است بدانیم ۲۵ دسامبر در اصل روز تولد مهر بوده که بعدها هم در همین روز تثبیت شده است. بنابر نگاره‌های نقش بسته بر دیوار مهرابه‌ها در کشورهای غربی، مهر به صورت کودک یا

### چاپ دولتی و شبه دولتی آسیب‌رسان است

رئیس سابق اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی کاشان گفت: صنعت چاپ و نشر کشور ما بیشتر دولتی یا شبه دولتی است و این آسیب‌رسان است. مصطفی جوادی در حاشیه برگزاری نخستین جشنواره کتاب کودک و نوجوان کاشان به ایستا گفت: امروز صرفاً کتاب منتشر و چاپ می‌شود؛ چه خوانده شود و چه نشود. آن‌هایی که متولی هستند و قدرت را در دست دارند افراد را به سمت کتاب‌های خاصی سوق می‌دهند و این درست نیست.

رئیس سابق اداره ارشاد کاشان گفت: تولید و نشر کتاب ما امروز موضوعی سلیقه‌ای شده است. صنعت چاپ و نشر ما به جایگاهی رسیده است که نویسندگان بیشتر غم نان و نام دارند. البته هستند کسانی که خوب کار می‌کنند ولی یا دیده نمی‌شوند و یا کم‌تر دیده می‌شوند. این‌ها اتفاقاً همان‌هایی هستند که عاشقانه کار می‌کنند و به گروهی وابسته نیستند.

**وقایع اتفاقیه / شمارهٔ پنجاه و چهارم / نیمه دوم آذر ۹۷**

## اساطیر ایران (قسمت پنجم)

زمین به شمار می‌آمد. ایپام نیات: معنی لفظی ایپام نیات، نافزاده آب است که واژه نوه یا نبیره نیز با نیات از یک ریشه است. او ایزد آب‌ها است. او یکی از سه خدای بزرگی است که لقب «اهورا»(سُرور) را دارد که اینامر خود گویای مقام اوست. بُرز ایزد از القاب دیگر این ایزد به معنی بلندبالا می‌باشد. در متون پهلوی، بُرز، نام خاص او گشته است. تیشتَر، ایزد باران، از نژاد اوست. این ایزد در گذر زمان به‌تدریج کپرنگ می‌شود و قدرت و ویژگی‌های او به اردوی سورَه آناهیتا منتقل می‌شود.

ناهید/ آناهید (اردوی سورَه آناهیتا ArdaviSuraAnahita)؛ ایزد بانو با شخصیتی بسیار برجسته که مقام مهمی در آیین‌های ایران باستان به خود اختصاص می‌دهد و قدمت ستایش او حتی به پیش از زردشت نیز می‌رسد. اردوی (به معنی رطوبت) ابتدا نام رودخانه مقدسی بود و سپس شخصیت خدایی یافت.

در کیش زردشتی کلیه عناصر چهارگانه (آتش و آب و باد (هوا) و خاک) ارجمند و گرامی‌اند. آب پس از آتش گرمای‌ترین عنصر است. اردوی سور آناهیتا به معنی رود نیرومند و زلال (نیالوده و پاک) است و آن‌طور که در اوستا از این رود تعریف شده، باید آن را آبی مینوی تصور کرد، زیرا رودی است به بزرگی تمام آب‌های روی زمین که به دریای فراخکرت (دریای اساطیری ایران) می‌ریزد و هفت کشور روی زمین را سیراب می‌کند.

شخصیت خدایی او را همتای ایزدبانو سَرَس وتی (Sarasvati) در آیین ودایی می‌دانند و برخی بر این باورند که اردوی در اصل صفت سرس وتی بوده که در هند به رودخانه کوچک مقدسی در ناحیه پنجاب کنونی اطلاق می‌شد.

جوانی از صخره زاده می‌شود. با دشنه‌ای که روزی با آن گاو نر را می‌کشد و مشعل آتشی که نماد نوری است که با او به جهان می‌آید.

در اسطوره‌های روایت شده است که مهر پس از زاده شدن، تصمیم گرفت تا نیروی خود را بسنجد. از این رو نخست با خورشید زور آزمایی کرد و در این برخورد، خورشید تاب نیروی مهر را نیاورد و بر زمین افتاد. سپس مهر او را یاری داد تا برخیزد و دست راست خود را به سوی او دراز کرد و این دو ایزد با یکدیگر دست دادند. این نشان از بیعت خورشید با مهر است. پس مهر تاجی بر سر خورشید نهاد و از آن پس آن دو یاران وفادار شدند.

در اسطوره مهر و گاو چنین آمده است که مهر گاو را در چراگاهی می‌یابد، شاخ او را به دست می‌گیرد، بر او سوار می‌شود، ولی گاو او را از پشت خود فرو می‌افکند و مهر –که شاخ او را در دست دارد- در کنار گام برمی‌دارد و او را به غار می‌کشاند. گاو می‌گریزد و مهر به دنبال او می‌رود تا سرانجام او را می‌یابد و می‌کشد و از تن او حیات گیاهی و جانوری به‌وجود می‌آید و زیربنای تولید غلات فراهم می‌شود. کشتن گاو به دستور خدایان از آسمان صورت می‌گیرد و مهر خود به این کار رغبتی ندارد و شاید به همین دلیل است که در نگاره‌ها، چهره مهر غمگین است. پیروان کیش مهر در غرب، با آیین‌های خاص و پس از انجام آزمایش‌هایی سخت پذیرفته می‌شدند و سپس مراحلی هفت‌گانه در انتظارشان بود. این هفت مرحله که هر کدام شرایط و آیین‌هایی داشت، چنین نام‌گذاری شده بود: کلاغ، همسر/عروس، سرباز، شیر، پارسی، بیک خورشید و سرانجام پیر یا پدر که عالی‌ترین پایه به حساب می‌آمد و کسی که به این مرتبه می‌رسید، نماینده خدای مهر در

## آواز «وطن» از حنجره «مرغ سحر»

نگاهی به اندیشه وطن‌دوستی ملک‌الشعرای بهار

چند گویی چرا مانده ویران /هند و افغان و خوارزم و ایران

چند گویی چرا ما سیریم /ز آن‌که آزادی ما سیران

جنبش و دوستی و داد است/ روز یک‌رنگی و اتحاد است

در این دوره مفهوم وطن علاوه بر جهان‌وطنی اسلامی با حضور مردم در جامعه نیز گره می‌خورد. مردمی که تا دیروز نمی‌توانستند حتی درباره زندگی خود تصمیم بگیرند، در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی وارد می‌شوند و برای سیاست‌مداران و کارگزاران حکومتی تعیین تکلیف می‌کنند. آن‌ها برای وطن خود ارزش قائل هستند و می‌خواهند آزادی را به او هدیه دهند. ملک‌الشعرای بهار در این‌باره می‌گوید: پادشاه‌ها ز استبداد چه داری مقصود/ که از این کار جز ادب‌ار نگردد م‌مشهود

ملکا جور مکن پیشه و مشکن پیمان/ که مکافات خدایت بگیرد دامان

ملکا خودسری و جور تو ایران‌سوز است/ به مکافات تو امروز وطن فیروز است

عامل دیگری که در این دوره وطن را تعریف می‌کند، هویت ایرانی است. شاعران این دوره هم‌چنان که به هویت اسلامی خود پای‌بند هستند، ایرانی‌بودن خود را از یاد نمی‌برند. ملک‌الشعرای بهار نیز بر این نوع هویت‌شناسی تأکید دارد. او در قصیده وطنیه‌ای که دور از ایران و در لوزان پاریس سروده است، بر ایران عصر خود حسرت می‌خورد و از همه



محمدرضا شادمان، مدیرعامل نشر چشمه

محمدرضا شادمان، مدیرعامل نشر چشمه

بعدها جای سرس وتی را –که در اصل رودخانه‌ای بوده– دو صفت آن یعنی «اردوی» و «سوره» گرفت.

این ایزدبانو در کتیبه اردشیر دوم هخامنشی و در بسیاری از متن‌ها به صورت خلاصه شده آناهیتا در می‌آید. او که نخست سرور رودخانهٔ اردوی بود، به‌تدریج سرور همه آب‌ها گشت و از ایپام نیات نیز پیشی گرفت و شخصیت ایپام نیات در شخصیت او تحلیل رفت.

این ایزد بانو با صفات نیرومندی، زیبایی و خردمندی به صورت الهه عشق و باروری نیز می‌آید؛ همتای آفرودیت یونانی. زنان در هنگام زایمان، برای زایش خوب و دختران برای یافتن شوهر مناسب به درگاه او نیایش می‌کنند. او هم‌چنین با آب‌های خود دشت‌ها را حاصل‌خیز و بارور می‌سازدوی تمام دلاوران نخستین را نیرو بخشید و سبب توفیق آنان در غلبه در دشمنان شد.

آناهید یا اردوی سورَه آناهیتا، گردونه‌ای با چهار اسب سفید دارد. اسب‌های گردونه او ابر، باران، برف و تگرگ هستند. او در بلندترین طبقه آسمان سکنی گزیده و بر کرانه هر دریاچه‌ای خانه‌ای زیبا با صد پنجره درخشان و هزار ستون خوش تراش دارد. او از فرز ابرها به فرمان اورمزد باران و برف و تگرگ را فرو می‌باراند. او خدایی محبوب است و همیشه علاقه و احترام پیروان بسیاری را به خود جلب کرده است.

هرودوت، مورخ مشهور، می‌نویسد که ایرانیان خورشید و ماه و زمین و آتش و آب و باد را گرمای دلشته و برای آن‌ها فدیه و نثار می‌آورند. او هم‌چنین می‌گوید: «ایرانیان در میان رود ادرار نمی‌کنند و آب دهان در آن نمی‌اندازند. در آن دست نمی‌شویند و متحمل هم نمی‌شوند که دیگری آن را به کثافتی آلوده کند.»

را حفظ کند:

ای حکیم نامی‌ای فردوسی سحر آفرین /ای به هر فن در سخن چون مرد یک‌فن اوستاد
شور احیای وطن گر در دل پاکت نبود/ رفته بود از ترک و تازی هستی ایران به باد
خالقی از نو زنده کردی، مُلکی از نو ساختی/ عالمی آباد کردی خانهات آباد یاد

وطن‌دوستی ملک‌الشعرای بهار تنها به قصاید او ختم نمی‌شود؛ تصنیف شورانگیز «مرغ سحر»، داغ دل همه عاشقان وطن را تازه می‌کند. این سر گشتگی و شوریدگی ایرانیان است که هم‌چون بلبلی پرپسته از قفس تنگ استبداد و استعمار ناله سر می‌دهد و آزادی می‌طلبد. شب‌های تاریک ظلم چنان بر ایران سایه افکنده است که روشنایی را به آن راهی نیست و بهار از طبیعت و فلک می‌خواهد که سحر را برایش به ارمغان آورند. واژه‌های این تصنیف، ایرانی را به تصویر می‌کشند که روح آزادی از آن کوچیده است و دستی باید و دوست‌داری تا جان رفته را به او باز گرداند. بهار در هجران آزادی گریان است و در دلش «ای کاش» هاست که این شرح فراق و هجران به پایان آید:

دست طبیعت گل عمر مرا مچین/ جانب عشاق نگه ای تازه گل از این، بیشتر کن /مرغ بیدل شرح هجران/ مختصر مختصر کن

### این یلدای کهن در سرزمین باستانی من!

فارغ از هر نسبت‌دادن و فلسفه‌یافی محققانه برای یلدا، مهم‌ترین کارکرد این جشن، استقرار و استمرار امید و شادی برای باستانیان بوده که در کوران تیرگی و تیرهرروزی طبیعت گرفتار بوده‌اند. به این بهانه، در برابر سختی‌ها و دشواری‌های زندگی واقعی مقاومت می‌کردند و خود را برای روزهای نیامده امید می‌دادند. زمینی‌ترین تفسیر شب یلدا، فراخواندن و امیدبخشیدن به آینده است؛ خود را به شادکامی و شادخواری مشغول‌داشتن و اندوه زمان و زمانه را از دل زدودن است. رویکردی که می‌تواند نسبت امروزین ما با این سنت کهن باستانی را برقرار و منطقی سازد.

اما به نظر می‌رسد که فرهنگ شادی‌ستیز و اندوهپرست ما از چنین تفسیری فرستگ‌ها به دور است. یلدا به‌رغم تاریخ باستانی‌اش، در چنین فرهنگی رابطه منطقی ایجاد نمی‌کند چرا که پیوندهای واقعی و هستی‌شناسانه‌اش از جامعه امروز جدا شده است. حتی دیگر اقتصاد کشاورزی متکی به نیروهای طبیعت نیست تا انسان روستایی را به فردای آفتابی و آینده بارور امید ببخشد. پس هر آن‌چه که هست، نمودی کاذب از امری نمادین است که هرگز در شرایط واقعی امروز معنا نمی‌یابد و صرفاً به تکراری از مکررات خلاصه شده است.

واقعی و ملموس دور بوده و بیشتر بهانه نمایش‌های تلویزیونی و برنامه‌های ادبی فرهنگی شده است. شب‌های یلدای این سال‌ها محصور نهادهای ادبی و فرهنگی است. دستاویز نهادهای خبررسانی برای تهیه گزارش‌های تکراری از مراسم و سنتی که ماهیت واقعی و مناسبت اصیلش را با امروز از دست داده است. تلویزیون‌ها دکورهای یلدایی دارند، برنامه‌های مناسبتی اجرا می‌کنند، شاعران، نویسندگان، فعالان مدنی و… به نهادهای فرهنگی دعوت می‌شوند. شعر می‌سرایند، سخن‌رانی می‌کنند و در نهایت از اهمیت نمادین و ارزش هستی‌شناسانه این جشن در متون تاریخی و گذشته باستانی می‌گویند اما هر گز از نسبت آن با امروز سخن نمی‌رانند.

بسیاری از فعالان شبکه‌های اجتماعی از سفره‌های رنگین و تزئین‌شده یلدایی‌شان عکس و استوری منتشر می‌کنند و آن را به سایرین خجسته و تبریک می‌گویند اما گاهی به سرشت آن به مثابه بهانه‌ای برای شادی و شادخواری توجه نمی‌کنند.

پرستش این است اگر جشن‌ها و عیاد باستانی فرهنگی ما با امروز واقعی‌مان مناسبت نداشته باشند، یاد و گرمای‌داشت آن چه سودی خواهد داشت؟



**فاطمه محمدزاده**
دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی ۹۳

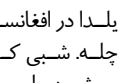
مفهوم وطن را باید در ایران باستان جست. درست از همان‌جا که در اوج زیبایی و لطافت در اوستا، ایران‌ویج بهترین سرزمین نامیده شده است. سرزمینی با جغرافیای مشخص که مردمانی با نژاد آریایی در آن زندگی می‌کنند با ورود اسلام به ایران، مفهوم وطن تغییر می‌کند. با گسترش اندیشه وحدت اسلامی، وطن به سرزمینی اطلاق می‌شود که مسلمانان در آن زندگی می‌کنند و دیگر فرقی نمی‌کند که این مسلمانان در ایران یا در دورترین نقطه جهان باشند. به این ترتیب، وطن با دین اسلام برابر می‌شود. این روند تاآن‌جا ادامه دارد که در دوره مشروطه نیز دین اسلام مبین وطن اسلامی است و هم‌چنان ارزش‌های خود را حفظ می‌کند؛ چنان‌که اقبال لاهوری در هند نیز در اشعار خود به همین مفهوم از وطن اشاره می‌کند:

ما مسلمانیم و اولاد خلیل /از «ایبیکم» گیر اگر خواهی دلیل

با وطن وابسته تقدیر امم /بر نَسَب بنیاد تعمیر امم

این وحدت اسلامی که پایه‌های آن بر یک‌رنگی و اتحاد مسلمانان است، در شعر شاعران دوره مشروطه به‌روشنی دیده می‌شود. ملک‌الشعرای بهار نیز از شاعرانی است که بسیاری از اشعارش به وطنش، ایران، اختصاص دارد او درباره هم‌پستگی مسلمانان می‌سراید:

**کاوه جبران**
دکتری زبان و ادبیات فارسی ۹۶



یلدا در افغانستان نام دیگر و معروف‌تری نیز دارد؛ شب چله. شبی که فردای آن چهل روز نخست زمستان آغاز می‌شود و این چهل روز در عرف مردم به «چله» معروف است. حدوداً تا همین چهل سال قبل که زندگی بسیاری از مردم افغانستان هنوز بر اقتصاد کشاورزی استوار بود و جنگ‌های بیپای و دیگر تحولات سیاسی اجتماعی، شهرها را تا حد امروزی مملو از جمعیت روستایی نکرده بود، تقویم زندگی واقعی نیز بر بنیان همان متغیرهای اقتصاد کشاورزی می‌چرخید.

از این‌رو «شب چله» نام با مسمایی برای این جشن کهن و باستانی به نظر می‌رسید و بی‌جهت نمی‌نماید که هنوز جز پایتخت‌نشینان و ساکنان شهرهای بزرگ، سایر مردم چندان با نام «یلدا» مأنوس نیستند.

شب چله در عرف مردم افغانستان، طولانی‌ترین شب سال است که پس از آن شب‌ها رو به کوتاهی می‌روند و بدین‌گونه با طولانی‌ترشدن روزها، فصل کسب‌وکار و کشت و کشاورزی از راه می‌رسد. مردمی که جهان را در





## حیات رنگ‌ها

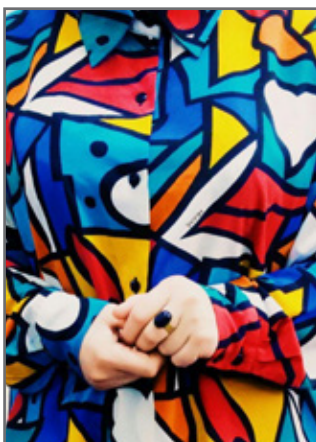
محمدحسین سمندری  
کارشناسی مهندسی آب ۹۴



رنگ یکی از مهم‌ترین نکات ترکیب‌بندی در عکاسی است. گاهی وجود رنگ‌ها تاثیرگذاری بیشتری نسبت به سوژه یک عکس دارند و دانستن نکات مربوط به چگونگی استفاده از رنگ‌ها در تصاویر می‌تواند ما را در ثبت تصاویری اثرگذارتر یاری دهد. رنگ‌های مختلف از احساسات و عواطف متفاوتی حکایت دارند؛ بنابراین نحوه به‌کارگیری رنگ در عکس‌ها می‌تواند بر واکنش و احساس افراد نسبت به عکس تاثیر بگذارد. در این شماره نشریه به موضوع رنگ در عکاسی پرداخته‌ایم و تلاش شده است نقش رنگ در تصاویر، مقدم بر سوژه اصلی باشد.



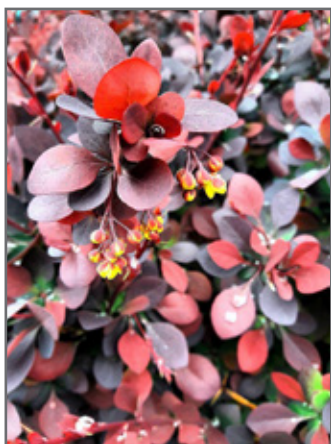
کیمیا بیونقی  
(کارشناسی ارشد حقوق خصوصی ۹۶)



شمیم مصطفی زاده  
(کارشناسی ارشد ادبیات ۹۶)



امیرحسین حیدری  
(پزشکی ۹۳)



شهرزاد نراقی  
(کارشناسی علوم دامی ۹۶)



مهلا شفیعا  
(کارشناسی ارشد مدیریت ۹۶)



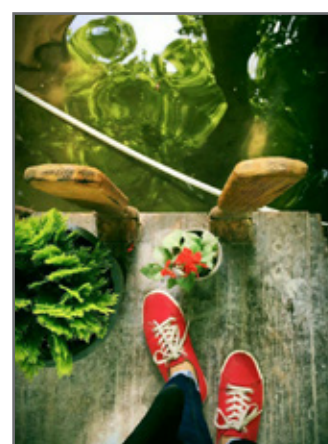
زهرا فرهنگدینیا  
(کارشناسی علوم آزمایشگاهی ۹۶)



فاطمه فنایی  
(کارشناسی ارشد معماری ۹۶)



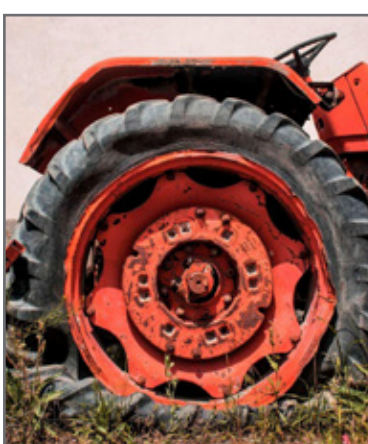
آیتا جاویدیان  
(دانش آموخته شهرسازی ۹۲)



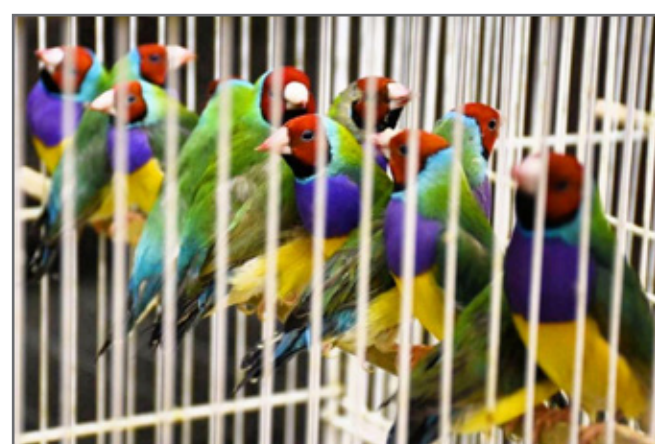
پریسا قره داشی  
(کارشناسی ادبیات ۹۴)



هدیه مسعودی  
(کارشناسی ارشد مهندسی شیمی ۹۴)



علی شیخ زاده  
(کارشناسی اقتصاد ۹۵)



زهرا آباد  
(کارشناسی ادیان و عرفان ۹۳)